

## دکتر آنتونی جی توماسینو، ده فرمان جلسه 1، ده فرمان و قانون

من دکتر آنتونی جی. توماسینو و آموزه‌های او در مورد ده فرمان هستم. این جلسه اول، ده فرمان و شریعت است. سلام، من تونی توماسینو هستم، نویسنده کتابی در مورد ده فرمان که

. چند سال پیش با عنوان «نوشته شده بر قلب، ده فرمان برای مسیحیان امروزی» منتشر شد.

آن کتاب در واقع به عنوان مجموعه‌ای از موعظه‌ها شروع شد، و سپس از مجموعه‌ای از موعظه‌ها به مجموعه‌ای از کلاس‌های مدرسه یکشنبه رسید، و سپس از مجموعه‌ای از کلاس‌های مدرسه یکشنبه به مجموعه‌ای از سخنرانی‌هایی که برای گروه‌های مختلف روحانی ارائه دادم، و غیره. و از آنجا، فکر کردم خوب، بهتر است تمام یادداشت‌هایم را جمع کنم و آنها را به شکلی درآورم که دیگران نیز بتوانند از آنها قدردانی کنند. بنابراین کاری که در این مرحله انجام می‌دهم، تأمل در مورد، خوب، سال‌ها تفکر از زمان نوشتن آن کتاب، و همچنین برخی از نکات اصلی است که مدت‌ها پیش در آن برخورد با ده فرمان مطرح کردم.

بسیار کاربردی، من معتقدم که ده فرمان بسیار کاربردی هستند. من معتقدم که ده فرمان باید در بستری که در آن داده شده‌اند و همچنین در بستر ما درک شوند. ما می‌توانیم در مورد ادغام افق‌های جهان خاور نزدیک باستان و جامعه فعلی خود صحبت کنیم، به همین دلیل است که اینها «ده فرمان برای مسیحیان امروزی» هستند.

شاید کمی کلیشه‌ای یا چیزی شبیه به این به نظر برسد، اما با این حال، فکر می‌کنم عنوان مناسبی است، زیرا ما امروز با سوالات متفاوتی روبرو هستیم. ما با چالش‌های متفاوتی نسبت به ۵۰ یا ۵۰۰ سال پیش و مطمئناً چالش‌های متفاوتی نسبت به ۳۰۰۰ سال پیش روبرو هستیم. بنابراین، ده فرمان هنوز هم اگر آنها را درک کنیم، اگر قدرشان را بدانیم، اگر آنها را در زندگی و موقعیت‌های خود به کار ببریم، به ما راهنمایی برای نحوه زندگی می‌دهند.

بنابراین، ما قصد داریم به ده فرمان، آنطور که به هم مرتبط هستند و به عنوان بخشی از، یا حتی می‌توانیم بگوییم، پایه و اساس مجموعه قوانین کتاب مقدس، قوانینی که در سفر خروج، لاویان، اعداد، تثنیه و غیره وضع شده‌اند، نگاهی بیندازیم. بنابراین، اولین قدم برای شروع این بحث، این است که بفهمیم منظور ما از شریعت در اینجا چیست و چگونه ده فرمان در کل آن سنت شریعت جای می‌گیرد. حال، اول از همه، اجازه دهید کمی بیشتر در مورد زمینه فعلی ده فرمان توضیح دهم.

حال، ده فرمان در سنت کلیسا، که به عنوان ده فرمان نیز شناخته می‌شود، و من هر از گاهی از این کلمه استفاده خواهم کرد، به عنوان یکی از سه سند بنیادی ایمان مسیحی در نظر گرفته می‌شوند. سه سند بنیادی ایمان مسیحی، طبق سنت کلیسا، ده فرمان هستند که پایه اخلاقی را فراهم می‌کنند، دعای ربانی که پایه معنوی را فراهم می‌کند، و اعتقادنامه رسولان که پایه الهیاتی ایمان مسیحی را فراهم می‌کند. اغلب، وقتی در یک کلیسای جدید شروع می‌کنم، کاری که انجام می‌دهم این است که هر سه مورد را در یک سری خطبه ارائه می‌دهم، با ده فرمان شروع می‌کنم و سپس ادامه می‌دهم، معمولاً در طول ایام روزه، دعای ربانی را می‌خوانم، و سپس در تابستان، اعتقادنامه رسولان را می‌خوانم.

و بنابراین، ما تمام پایه‌های ایمان مسیحی را پوشش می‌دهیم، و بنابراین، هر کلیسایی که تا به حال در آن خدمت کرده‌ام، پایه و اساس کاملی از تمام دانش لازم برای مسیحی بودن داشته است. آیا من اینطور فکر

نمی‌کنم؟ اما به هر حال، این جای خوبی برای شروع است. گاهی اوقات، می‌شنویم که ده فرمان به عنوان یک قانون اساسی، قانون اساسی اسرائیل باستان نامیده می‌شود.

وقتی این کتاب را می‌نوشتیم، بحث‌های زیادی در مورد اینکه آیا ده فرمان می‌توانند در دادگاه‌ها آویزان شوند یا نه، و اینکه آیا باید آنها را در هر مدرسه‌ای نصب کنیم یا نه، و از این قبیل مسائل وجود داشت. و اغلب استدلال می‌شد که ده فرمان واقعاً اساس هر جامعه عادلانه‌ای هستند. خوب، من شخصاً با این موافق نیستم، زیرا فکر می‌کنم ده فرمان برای یک جامعه خاص، جامعه‌ای که خداوند، خدای اسرائیل را می‌پرستد، ساخته شده است، نه برای هر جامعه‌ای.

ما خداوند را می‌پرستیم یا نه، این روزها در جامعه ما یک سوال قابل بحث است، فکر می‌کنم. اما ده فرمان گاهی اوقات به عنوان نوعی نوشدارو ارائه شده است. می‌دانید، چرا ما تیراندازی در مدارس داریم؟ خوب، اگر ده فرمان را در تمام کلاس‌های درسمان داشتیم، دیگر شاهد چنین تیراندازی‌هایی در مدارس نبودیم.

من هم در این مورد خیلی مطمئن نیستم. ده فرمان جادو نیستند، اما حکیمانه هستند. و این چیزی است که امیدوارم بتوانم در این مطالعه، در این بررسی ده فرمان، بیرون بکشم، حکمت و دانشی است که در این احکام نهفته است.

نکته جالب در مورد ده فرمان این است که حتی در گذشته که این دعوای بزرگ بر سر این بود که آیا می‌توان ده فرمان را در کلاس‌های درس و دادگاه‌ها و غیره قرار داد یا نه، یک نظرسنجی انجام شد، فکر می‌کنم توسط «مسیحیت امروز» بود، ممکن است در این مورد اشتباه کنم، اما آنها از مردم خواستند که ده فرمان را نام ببرند. مسیحیان، خوب، مسیحیان، ده فرمان را نام ببرند. به نظر شما یک مسیحی معمولی چند فرمان می‌تواند نام ببرد؟ اکثر آنها چهار فرمان را نام بردند. چهار فرمان از ده فرمان.

اگر از آنها خواسته می‌شد که آنها را مرتب کنند، تقریباً همه شکست می‌خورند. بنابراین اگرچه به نظر می‌رسد مردم فکر می‌کنند که اینها بسیار مهم و بسیار حیاتی برای درک یک جامعه عادلانه هستند، اما اکثر مردم به طرز اسفناکی از آنچه که واقعاً می‌گویند بی‌اطلاع هستند.

بنابراین بیا سعی کنیم در چند سخنرانی بعدی این موضوع را کمی بیشتر توضیح دهیم. اولین قدم برای شروع، مفهوم کلی قانون است، زیرا ما در مورد این واقعیت صحبت کرده‌ایم که ده فرمان، پایه و اساس قانون اسرائیل باستان است. و این موضوع مهمی است.

ما به قانون فکر می‌کنیم، و یاد می‌آید چند سال پیش کتابی در مورد قانون در عهد عتیق خواندم، که با شعری شروع می‌شد که اساساً استدلال می‌کرد ما واقعاً نمی‌دانیم قانون چیست، که تعریف قانون بسیار دشوار است. و حدس می‌زنم ممکن است بگویید مثل پورنوگرافی است. می‌دانید، این یکی از آن چیزهایی است که وقتی آن را می‌بینید، می‌دانید.

فکر نمی‌کنم واقعاً آنقدرها هم بد باشد. طبق فرهنگ لغت کمبریج، قانون قاعده‌ای است که معمولاً توسط دولت وضع می‌شود و برای تنظیم نحوه رفتار یک جامعه به کار می‌رود. این خیلی سراسر است و ساده به نظر می‌رسد.

و ما قوانینی داریم، دولت‌هایی داریم که قوانین را اجرا می‌کنند، و ما مقرراتی برای رفتارها داریم. از طرف دیگر، بسیاری از مردم صرفاً به قوانین بسنده می‌کنند، می‌دانید، قانون همان قوانین است. و فرقی نمی‌کند که در مورد جامعه مدنی صحبت می‌کنید یا در مورد یک بازی؛ شما هنوز قوانینی دارید که باید از آنها پیروی کنید و کارهایی که باید انجام دهید.

خب، بیشتر ما با مفهوم قانون آشنا هستیم، و به نظر من قانون را به صورت کاملاً مطلق در نظر می‌گیریم، محدودیت سرعت ۵۵ مایل در ساعت است، این قانون است. اگر با سرعت ۵۶ مایل در ساعت بروید، قانون را زیر پا گذاشته‌اید.

اگر قانون بگوید، می‌دانید، اگر در گوشه خیابان ولگردی کنید، ممکن است ۵۰ دلار جریمه شوید. بله. پس این قانون است.

این آیین‌نامه است. و اگر کسی بخواهد می‌تواند آن را اجرا کند. و بنابراین این حس در بین بسیاری از مردم وجود دارد که قانون از این نظر مطلق است.

و بسیاری از مسیحیان همین ایده را می‌گیرند و آن را به قوانین کتاب مقدس برمی‌گردانند. و من استدلال می‌کنم که قوانین کتاب مقدس کمی انعطاف‌پذیرتر از این هستند. و به دلایلی که در ادامه خواهیم دید، اما در خاور نزدیک باستان، قانون کمی متفاوت از روشی بود که ما در روزگار خود و در جامعه خود معمولاً در مورد قانون فکر می‌کنیم.

مطالعات زیادی در مورد منشأ قانون انجام شده است. و ما می‌دانیم که جوامع باستانی بسیار متفاوتی وجود داشته‌اند، حتی قبل از اینکه خط وجود داشته باشد، قوانینی وجود داشته است. مردم در این جوامع مختلف و این گروه‌های مختلف باید قوانین و مقرراتی داشته باشند تا از کشتن یکدیگر، دزدی از یکدیگر و درک نقش هر فرد در جامعه جلوگیری شود.

بنابراین، احتمالاً از همان زمانی که مردم شروع به دور هم جمع شدن و تشکیل گروه‌ها و تلاش برای ایجاد چیزهایی کردند که می‌توانیم آنها را جامعه بنامیم، قوانین شفاهی وجود داشته‌اند. قوانین. این قوانین توسط انواع مختلف اربابان وضع می‌شدند تا اقتدار خود را بر قدرت‌های محلی تثبیت کنند.

و ما شاهد این اتفاق هستیم، به محض اینکه پادشاهی‌ها رشد می‌کنند، به محض اینکه امپراتوری‌ها رشد می‌کنند، حاکمان برخی از این دولت‌شهرها و به ویژه بین‌النهرین، شروع به تلاش برای تحمیل حکومت خود بر گروه‌های قبیله‌ای مختلفی کردند که در قلمرو آنها وجود داشتند. بنابراین، می‌توان گفت، شما این تغییر را دارید، مثلاً از قبیله‌ای که قوانین خود را در مورد نحوه برخورد با مثلاً زنا دارد. شما قبیله‌ای دارید که مجموعه قوانین متفاوتی دارد.

خب، پس شما پادشاهی دارید که بر همه این گروه‌های مختلف غلبه می‌کند و می‌گوید، باشه، حالا من به تو نشان می‌دهم، تو قرار است به روش من عمل کنی. و او لزوماً در حال لغو یا نفی آنچه توسط این گروه‌های قبلی انجام می‌شد، نبود، بلکه کاری که پادشاه در این مرحله سعی در انجام آن دارد، صرفاً اعمال اقتدار خود است تا نشان دهد که اکنون به یک مرجع بالاتر پاسخگو هستند. بنابراین شما این اربابان را دارید که این قدرت‌ها را برقرار می‌کنند.

و وقتی به متون باستانی خاور نزدیک، به ویژه اسناد مکتوبی که از بین‌النهرین باستان داریم، نگاه می‌کنیم، برخی از باستانی‌ترین متونی که تاکنون کشف شده‌اند، قوانین بوده‌اند. و بسیاری از مردم تا این زمان، یعنی سال قبل از میلاد، با قوانین حمورابی آشنا هستند. اما حمورابی در واقع نسبتاً دیر به صحنه آمده ۱۷۵۰ است.

قدیمی‌ترین مجموعه قوانین موجود که در اختیار داریم، از شخصی به نام اور-نامو، یک سومری باستان که شاید حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد زندگی می‌کرد، گرفته شده است. و این قوانین به طرز چشمگیری شبیه به برخی از قوانینی بودند که در مجموعه قوانین بعدی می‌بینیم. همپوشانی زیادی دارند.

و بنابراین ما تعداد زیادی از این مجموعه‌های قوانین، متون بسیار باستانی داریم که نشان می‌دهد چگونه این پادشاهان اقتدار خود را بر مردمان مختلف تحت قلمرو خود تحمیل می‌کردند. بنابراین این چیزی است که کمی بحث‌برانگیز بوده است. و من با برخی از افراد در مورد این موضوع بحث‌هایی داشته‌ام. اما دوستان خوبم.

اما سوال این است که قوانین از کجا آمده‌اند. و دوستانی داشته‌ام که می‌گویند، خب، قوانین کتاب مقدس متفاوت است زیرا قوانین کتاب مقدس از جانب خدا آمده است، در حالی که قوانین مردمان باستان خاور نزدیک از جانب پادشاهان آمده است.

و پادشاهان مدعی ارائه این قوانین بودند. پادشاهان مدعی ارائه قوانین بودند، اما ادعا می‌کردند که قوانین را از خدایان گرفته‌اند. این منبع اقتدار آنها بود.

و ما این را، برای مثال، در قانون حمورابی می‌بینیم. ما این تصویر را می‌بینیم که او ایستاده و لوح قوانین را از خدای شمش دریافت می‌کند. شمش خدای عدالت در بابل باستان بود.

این قوانین یک شرط بودند، به نوعی یک شرط پیمانی. بنابراین شما این پادشاه را دارید. او بر این اقوام مختلف پیروز شده است.

و حالا او می‌گوید، شما مردم باید با این مقررات جدید موافقت کنید. یک کلانتر جدید در شهر است. شما قرار است به من پاسخگو باشید.

و یک رابطه پیمانی بین پادشاه و مردمش وجود دارد. بنابراین مردم، به نوعی، حقوق خود را، هر چه که باشد، به عنوان بخشی از امپراتوری حمورابی بر عهده می‌گیرند. اما در عین حال، مسئولیت اطاعت از قوانین حمورابی را نیز بر عهده می‌گیرند.

اما نکته‌ی جالبی اینجا وجود دارد، و این در تمام سنت حقوقی خاور نزدیک باستان ریشه دارد. قانون در یک رابطه‌ی مبتنی بر پیمان وجود دارد. پادشاه با این مردم یک رابطه‌ی مبتنی بر پیمان دارد که به او حق می‌دهد. قوانین را بر آنها تحمیل کند.

و البته همین را در آشوری‌ها و هیتی‌ها می‌بینیم. همه موافق بودند که این حکومت پادشاه و این واقعیت است که او کارهایی برای مردم انجام داده است که به او حق می‌دهد این تعهدات قراردادی را که به شکل قانون هستند، بر آنها تحمیل کند. حال، در خاور نزدیک باستان، دو نوع شکل اصلی وجود دارد که قانون در آنها بیان می‌شود.

و این‌ها اولین بار توسط شخصی به نام آلبرشت آلت شناسایی شدند. او این کلمات را ابداع کرد. فکر می‌کنم مدت‌هاست که همه می‌دانند که اشکال قانون متفاوت است، اما آلبرشت آلت این اصطلاحات، یعنی اثباتی و علی، را برای توصیف دو نوع قانون ابداع کرد.

از کلماتی می‌آید که اساساً به معنای کلمه، به معنای امر و نهی، چیزی شبیه به این «Apodictic» کلمه‌ی است. apodictic هستند. بنابراین، با گفتن «باید، نباید». این یک قانون

اکثریت قریب به اتفاق قوانینی که در مجموعه قوانین خاور نزدیک باستان می‌یابیم، قوانینی هستند که ما آنها را قوانین کازویستی می‌نامیم. و این همان رویه قضایی است. اگر مردی گاوی داشته باشد که می‌دانسته مردم را شاخ می‌زند، و آن مرد هیچ کاری برای گیر انداختن گاوش نکرده باشد، و آن گاو کسی را بکشد، آن مرد باید اعدام شود.

از این جور چیزا. آگه این اتفاق بیفته، اونوقت تو این کارو می‌کنی. این چیزیه که ما بهش می‌گیم قانون علی و معلولی.

و این خیلی دور و بعید است اکثریت قریب به اتفاق قوانینی که در خاور نزدیک باستان می‌یابیم. این یک کپی از سنگ یادبود حمورابی است. تمام مجموعه قوانین او در اینجا حک شده است.

احتمالاً اینها در سراسر مرزهای پادشاهی او نصب شده بودند. اما در اینجا خدای شمش را می‌بینیم. می‌دانید. که او یک خداست زیرا این شاخ‌ها را روی سرش دارد.

این روشی بود که بین‌النهرینی‌ها خدایان خود را به تصویر می‌کشیدند، زیرا آنها همیشه نوعی شاخ داشتند. بنابراین او این مجموعه کامل از شاخ‌ها را اینجا بالای سرش دارد. و او کمی بزرگ است.

او شبیه یک مرد است. و او قوانین را به پادشاه حمورابی تحویل می‌دهد. بنابراین، حمورابی در اینجا با عباراتی بسیار واضح ادعا می‌کند که خدای شمش، خدای عدالت، منبع قانون است.

و این قوانین معمولاً بیشتر جنبه‌ی علی و معلولی دارند تا اثباتی. و برای مثال، اینجا می‌توانیم ببینیم که این از قانون حمورابی است. اگر کسی علیه مردی اتهامی وارد کند، و متهم به رودخانه برود و به داخل رودخانه بیفتد، و اگر در رودخانه غرق شود، شاکی خانه‌ی او را تصاحب خواهد کرد.

اما اگر رودخانه ثابت کند که متهم گناهکار نیست و او بدون آسیب جان سالم به در برود، آنگاه کسی که اتهام را وارد کرده است، اعدام خواهد شد، در حالی که کسی که به رودخانه پریده است، خانه‌ی او را که متعلق به متهم کننده‌اش بوده، تصاحب خواهد کرد. گاهی اوقات این موضوع مردم را به یاد محاکمات جادوگران می‌اندازد، جایی که، می‌دانید، اگر یک جادوگر را در رودخانه بیندازید، اگر واقعاً جادوگر باشد، روی آب شناور می‌شود زیرا از چوب ساخته شده است. و اگر غرق شود، او را به مرگ محکوم می‌کنید زیرا، خب اگر غرق شود، یعنی بی‌گناه بوده است، درست است؟ بنابراین، می‌دانید، اگر این کار را بکنید، لعنت به شما می‌آید. و اگر این کار را نکنید، لعنت به شما می‌آید.

اما این واقعاً چیزی نیست که اینجا اتفاق می‌افتد، چون اگر متهم را در نظر بگیرید، او به داخل رودخانه می‌پرد، اگر شنا کند، خوب است، یعنی بی‌گناه است. اما اگر رودخانه او را به پایین بکشد و غرق کند، یعنی گناهکار بوده است. بنابراین ایده اینجا این است.

نکته جالب در مورد قانون حمورابی، و ما متوجه شدیم که این مورد در بسیاری از قوانین باستانی نیز وجود دارد، این است که با رمزگشایی متون بیشتر و بیشتر، یکی از مواردی که به دست آمده این است که ما سوابق زیادی از مراحل دادگاه داریم. بنابراین می‌توانیم در بسیاری از موارد ببینیم که قضات هنگام طرح این پرونده‌های مختلف چه تصمیماتی گرفته‌اند. و نکته قابل توجه این است که قانون حمورابی اجرا نشد.

با اینکه آنها این مجموعه قوانین فوق‌العاده و خوش‌ساخت را داشتند، که حتی امروز هم مردم آن را مطالعه می‌کنند و می‌گویند، می‌دانید، این مطالب اینجا قابل توجه است، قضات وقتی برای تصمیم‌گیری در

پرونده‌هایشان می‌رفتند از قانون حمورابی استفاده نمی‌کردند. می‌توانم بگویم، شاید بیشتر نمادین باشد. شاید پیشنهاد حمورابی.

اما نکته قابل توجه این است که اکنون اصول اساسی به وضوح درک شده‌اند. در مجازات‌ها بود که متوجه شدیم تنوع زیادی وجود دارد. بنابراین، همه موافق بودند که اگر مردی مرتکب زنا شود، این اشتباه است و زناکار و زناکار باید به نوعی اعدام شوند.

اما در آن سیستم، آزادی عمل زیادی وجود داشت. و ما این را به ویژه جالب می‌بینیم، وقتی به قوانین آشوری میانه می‌رسیم، زیرا آنها در این مورد بسیار صریح هستند. آنها می‌گویند، اگر مردی با زن متاهلی مرتکب زنا شود و او را اغوا کرده و با او زنا کرده باشد، هر دو باید کشته شوند، اما اگر شوهر تمایل دارد همسرش را زنده بگذارد، پس اجازه دهید او زنده بماند.

و در آن صورت، آن مرد نیز کشته نخواهد شد. اگر مرد تمایل داشته باشد بی‌همسرش را ببرد، که یکی از راه‌های مقابله با زنا است، بی‌همسرش را نیز می‌بریدند. آشوری‌ها به دلایلی واقعاً در بریدن اعضای بدن بسیار ماهر بودند.

کمی چندش‌آور است. اما به هر حال، نکته اینجاست که این قوانین بیشتر شبیه دستورالعمل بودند، نه به آن شکلی که ما معمولاً امروزه از قوانین تصور می‌کنیم. بنابراین چیزی شبیه به این است که ما محدودیت سرعت ۵۵ مایل در ساعت داریم و اگر ۵۶ مایل در ساعت بروید، می‌توانید ۱۰۰ دلار جریمه شوید.

و شاید از آن زمان به بعد سرعت بالاتر هم رفته باشد. این کاری بود که وقتی در شیکاگو بودم با من کردند. اما به هر حال، شما محدودیت سرعت ۵۵ مایل در ساعت دارید.

این تا حدودی به صلاحدید پلیس بستگی دارد، درست است؟ اینکه آیا آنها واقعاً برای سرعت ۵۶ مایل در ساعت شما را جریمه می‌کنند یا خیر. حالا، آنها می‌توانند از نظر فنی برای سرعت ۵۶ مایل در ساعت شما را جریمه کنند. از نظر فنی، می‌توانند ۱۰۰ دلار از شما بگیرند، اما اکثر آنها به شما کمی آزادی عمل می‌دهند.

آنها فکر خواهند کرد، خوب، می‌دانید، بقیه دارند ۵۶ ساله می‌شوند، چرا من باید به شما گیر بدهم؟ بله، مقداری از چیزی که می‌توانیم آن را لطف یا مدارا یا صلاحدید ساده بنامیم، در این قوانین وجود داشت. حالا، این چگونه با قانون بنی اسرائیل، قانونی که در کتاب مقدس عبری می‌یابیم، مقایسه می‌شود؟ و باز هم یکی از چیزهایی که مردم خیلی به آن گیر می‌دهند این است که، اوه، قوانین عهد عتیق خیلی سختگیرانه هستند، اوه، این مردم، همه را برای همه چیز می‌کشتند، درست است؟ خوب، بیایید در مورد آن فکر کنیم. اول از همه، بیایید کمی در مورد منظورمان از قانون، تورات، صحبت کنیم.

معمولاً به عنوان قانون ترجمه می‌شود، اما در واقع، کلمه تورات به معنای تعلیم یا آموزش است. و ما این را، برای مثال، در کتاب امثال می‌بینیم. این کلمه‌ای است که در کتاب امثال برای تعلیم استفاده می‌شود.

معمولاً معنای ضمنی یکسانی ندارد. می‌تواند داشته باشد، اما لزوماً آن معنای ضمنی را ندارد. بیشتر، به یک معنا، بیشتر از سنت حکمت ناشی می‌شود.

تعلیم یا آموزش. بنابراین، این کلمه برای اولین بار در کتاب پیدایش ۲۶ آمده است. ابراهیم از صدای من اطاعت کرد و به وصایا، فرامین، قوانین و احکام من عمل نمود.

بنابراین این اولین جایی است که این کلمه ظاهر می‌شود. حال، سوال این است: آیا ابراهیم قوانین موسی را داشت؟ نه، البته که نه. او حداقل ۵۰۰ سال قبل از موسی زندگی می‌کرد.

او قوانین موسی را ندارد. پس ما اینجا درباره چه قوانینی صحبت می‌کنیم؟ ما درباره دستورات کلی خدا به ابراهیم صحبت می‌کنیم، مانند قوانینی در مورد ازدواج نکردن با خواهر.

اوه، یک دقیقه صبر کنید. به هر حال، چیزی که ما متوجه می‌شویم این است که ابراهیم با ایمان کامل به دستوراتی که خدا به او داده بود عمل می‌کرد. و منظور اینجا واقعاً همین است.

منظور از این کلمه در آن متن همین است. البته ما از کلمه تورات به عنوان یک اصطلاح فنی برای پنج کتاب اول عهد عتیق استفاده می‌کنیم. معمولاً به آن تورات می‌گویند.

و ما نه تنها آن را در مورد مواد قانونی به کار می‌بریم، بلکه در مورد تعلیم والدین نیز، که در کتاب امثال آمده است، تعلیمات نبوی نیز تورات نامیده می‌شود. بنابراین، این اصطلاح بسیار گسترده‌تر از آن چیزی است که معمولاً هنگام فکر کردن به قانون به آن فکر می‌کنیم. و من همچنین یک مفهوم بسیار گسترده‌تر را می‌گویم، همانطور که بعداً در ادامه خواهیم دید.

چند کلمه دیگر نیز در این زمینه استفاده می‌شود. کلمه حقه به معنای قانون است. و قانون کمی متفاوت است.

به نظر می‌رسد از کلمه‌ای به معنای حکاکی کردن گرفته شده است. و در این مورد، در مورد یک اصل تغییرناپذیر صحبت می‌کند. و می‌توانید به آن از این منظر فکر کنید که یک اصل تغییرناپذیر این است که مردم مرتکب زنا نمی‌شوند، اما در نحوه برخورد با پرونده کسی که مرتکب زنا می‌شود، حکمتی نهفته است.

و تنوع زیادی مجاز بود. اصل تغییرناپذیر واضح است. قانون، تورات، در مورد آن اصل تغییرناپذیر کمی مبهم‌تر است.

بنابراین کلمه دیگری در اینجا، میتزوت، یعنی دستوراتی که او صادر کرد، از کلمه تزاوا می‌آید که به معنای ساده دستور دادن است. و میتزوت، این کلمه جالبی است زیرا در یهودیت، و تا به امروز، بیشتر به معنای اعمال نیک است تا دستورات. بنابراین اگر کسی به فقرا پول بدهد، این یک میتزوا است، یک عمل نیک.

واژه‌ی جالبی است، زیرا در کتاب مقدس عبری، به وضوح، این مفهوم را دارد (mitzvot) بنابراین میتزوت که یک فرمان بیان شده است. و با این حال، این مفهوم گسترده‌تر را به خود گرفته است که صرفاً کارهای خوب عمومی است. ضمناً، می‌تواند به معنای احکام نیز باشد.

در یهودیت هم همین معنی را می‌دهد. بنابراین، در عهد جدید، ما این کلمه یونانی نوموس را داریم، که همان کلمه‌ای است که یونانیان باستان در مورد قوانین خود استفاده می‌کردند. این کلمه‌ای است که ما در مورد چیزهایی مانند نجوم، قانون ستارگان و چیزهایی از این دست از آن استفاده می‌کنیم.

اما می‌تواند حس یک سنت یا یک قانون را داشته باشد. و این هم کمی با آنچه معمولاً در مورد آن فکر می‌کنیم متفاوت است. زیرا وقتی به قوانین ستارگان فکر می‌کنیم، در واقع به فیزیک فکر می‌کنیم، و به چیزهایی فکر می‌کنیم که به نوعی ثابت و تغییرناپذیر هستند.

بیشتر از اینکه روی سنگ حک شده باشند، در خودِ اِتر و بیگ بنگ و از این جور چیزها حک شده‌اند. و تغییرناپذیر و ابدی هستند، و به همین دلیل است که جهان همیشه به همین شکل فعلی‌اش عمل خواهد کرد، به دلیل قوانین فیزیک یا قوانین نجوم یا قوانین انواع مختلف اصول علمی.

اما همچنین حس سنت و کارهایی که معمولاً انجام می‌شوند را نیز دارد. بنابراین بیاید کمی در مورد ریشه‌ها و تحولات قانون بنی اسرائیل صحبت کنیم. ما در مورد اینکه چگونه در خاور نزدیک باستان، این گروه‌های مختلف وجود داشتند که تحت فرمان یک پادشاه گرد هم می‌آمدند، صحبت کردیم.

مانند اور-نامو یا حمورابی. و همانطور که این اقوام مختلف را گرد هم می‌آوردند، این اقوام مختلف قوانین موجود خود را داشتند. اما اکنون آنها قانون جدیدی را داشتند که توسط حاکمشان، که با او وارد یک رابطه پیمانی می‌شوند، بر آنها تحمیل شده بود.

این چه شباهتی به چیزی که در اسرائیل می‌بینیم دارد؟ من معتقدم که این خیلی شبیه چیزی است که در اسرائیل می‌بینیم. خب، ما قبایل مختلف اسرائیل، دوازده قبیله اسرائیل را داریم. سوالات زیادی در مورد اینکه آنها قبلاً چگونه با یکدیگر مرتبط بودند و همه این نوع مسائل پیش می‌آید، وجود دارد.

محققان منتقد معتقدند که قبایل اسرائیل در ابتدا گروه‌های کاملاً جداگانه‌ای بودند و هیچ نوع ارتباط ژنتیکی واقعی با یکدیگر نداشتند. من فکر نمی‌کنم اکثر ما این را بپذیریم. اما نکته این است که شما این قبایل مختلف را داشتید که به نوعی هویت بسیار قوی با قبایل خود داشتند.

بیشتر از آنچه که با کل ملت داشتند. و هر یک از این قبایل مقررات و قوانین خاص خود را داشتند. مثلاً عضویت در قبیله بنیامین به چه معناست؟ عضویت در قبیله یهودا به چه معناست؟ خب، آنها قوانین خود را داشتند.

آنها قوانین خاص خود را داشتند که جامعه‌شان را تنظیم می‌کرد. بنابراین اینطور نبود که مردم یهودا قبل از آمدن موسی هیچ درکی از قانون نداشته باشند. واضح است که آنها قوانینی می‌داشتند.

آنها ایده‌ها و رویه‌هایی برای نحوه برخورد با قانون‌شکنان و غیره داشتند. همه اینها قبل از زمان موسی وجود داشت. و سپس ما موسی را داریم که از راه می‌رسد و او تمام این قوانین را از خدا در کوه سینا دریافت می‌کند.

به نوعی، خدا اقتدار خود را بر آن دسته از مقررات قبیله‌ای که مردم از قبل داشته‌اند، اعمال می‌کند. شکی نیست که مردم یهودا روش‌هایی برای برخورد با قاتلان داشتند. شکی نیست که مردم قبیله لاوی روش‌های خود را برای برخورد با زناکاران داشتند.

خدا می‌گوید که شما با من وارد یک رابطه‌ی پیمانی می‌شوید. این روشی است که من می‌خواهم انجام شود. حال، آیا خدا همه چیز را در کوه سینا به موسی داد؟ خب، این چیز جالبی است زیرا طبق سنت یهود، خدا به معنای واقعی کلمه همه چیز را در کوه سینا به موسی داد.

شامل نه تنها قوانینی که در تورات می‌یابیم، بلکه تمام پیامبران و تمام نوشته‌ها و تمام آموزه‌های خاخام‌ها نیز می‌شود. و خدا به موسی گفت، حالا همه این مطالب را اینجا مسکوت بگذار، زیرا اگر غیریهودیان به آنها دست یابند، آن را خراب خواهند کرد. اما بله، این آموزه‌های خاخام‌ها هستند که لزوماً چیزی نیستند که بخوایم کلی اطلاعات تاریخی در موردشان بگذاریم.

اهداف خودش را دارد، اما فکر نمی‌کنم تاریخ باشد. چیزی که می‌توانیم بگوییم این است که خدا در کوه سینا به موسی قوانینی داد، اما همچنین می‌توانیم بگوییم که این سنت‌های حقوقی در دادگاه‌ها رشد کرده است. و ما این را از قبل در کتاب‌های تورات می‌بینیم.

اینکه ما بلافاصله پس از دادن قوانین، اتفاقی می‌افتد، مثلاً این مرد مصری را داریم که در اردوگاه بنی اسرائیل نام خدا را نفرین می‌کند. و بنابراین مردم به حضور خدا می‌روند و می‌گویند، خب، در این مورد چه باید بکنیم؟ و خدا می‌گوید، او را بیرون بیاورید و سنگسارش کنید تا بمیرد. و بنابراین آنها این را در قانون می‌نویسند.

اگر کسی به نام خدا کفر بگوید، او را سنگسار می‌کنیم تا بمیرد. بنابراین می‌توانیم ببینیم که در تورات، این شرط برای گسترش، برای بنا کردن، برای گسترش شریعت فراتر از آنچه نوشته شده یا آنچه به موسی در دامنه کوه داده شد، وجود دارد. اکنون کتاب مقدس همه اینها را به عنوان آنچه در قوانین موسی و زمان موسی آمده است، ارائه می‌دهد.

من فکر می‌کنم این بیشتر به تاریخ‌نگاری مربوط می‌شود تا تاریخ، روشی که آنها در آن روزها تاریخ را می‌نوشتند. اما به هر حال، واضح است که بسیاری از قوانینی که در تورات می‌یابیم، خب، نمی‌توانم بگویم واضح است، اما به نظر می‌رسد که بسیاری از قوانینی که در تورات می‌یابیم در واقع از دوره‌های بعدی آمده‌اند. و در تورات گرد هم آمده‌اند زیرا آنها نمایانگر همان نوع سنت هستند.

سوال بزرگی در مورد اینکه چه زمانی اسفار پنجگانه، پنج کتاب موسی، به شکلی که ما داریم، گرد هم آمدند وجود دارد. نظریه‌ای که مدت‌هاست مطرح است این است که قوانین واقعاً در زمان عزرا تدوین شده‌اند. و من فکر می‌کنم دلایل خوبی برای این امر وجود دارد.

دلایلی وجود دارد که این نظریه مدت زیادی پابرجا مانده است. طبق کتاب عزرا، عزرا قوانین مختلف را جمع‌آوری کرد و به اورشلیم آمد و در مقابل مردم ایستاد و قوانین را خواند. و همانطور که او قوانین را می‌خواند، مردم گریه می‌کردند و لباس‌هایشان را پاره می‌کردند و همه چیزشان را از دست می‌دادند، زیرا این کارها را انجام ندادند بودند.

از جمله مواردی مانند، مثلاً عید خیمه‌ها. در آن آمده است که آنها از زمان یوشع عید خیمه‌ها را جشن نگرفته بودند. پس چرا آنها این کار را نمی‌کردند؟ آیا آنها واقعاً می‌دانستند که قرار است این کار را انجام دهند؟ خب، طبق گفته عزرا، به نظر نمی‌رسد که آنها می‌دانستند که قرار است این کار را انجام دهند.

بنابراین، سوال این است که سنت رپی می‌گوید اگر موسی شریعت را نمی‌نوشت، عزرا این کار را می‌کرد. و این حس وجود دارد که شاید عزرا در اینجا نویسنده‌ی پنهان یا چیزی شبیه به این بوده است. اما عزرا به وضوح بسیاری از این سنت‌هایی را که با موسی مرتبط بودند، با سنت‌های قانونی اسرائیل گرد هم آورد.

و او آنها را اعلام کرد. او از اقتدار امپراتوری پارس برای اجرای این قوانین و تبدیل آنها به قانون واقعی، سرزمین خود برخوردار بود. این به آن معنا نیست که این قوانین یا سنت‌ها قبل از زمان عزرا وجود نداشتند، زیرا می‌دانیم که وجود داشتند.

فقط اینکه آنها بیشتر اوقات آنها را نادیده می‌گرفتند. این شکایت بزرگ ارمیا از قوم اسرائیل است. او در یکی از فصل‌های کتاب ارمیا، که بعداً به این موضوع خواهیم پرداخت، می‌گوید: «می‌دانید، شما مردم، روز «سبت را نادیده می‌گیرید».

، شما همه این تجارت را در روز سبت انجام می‌دهید. آنها این درک را داشتند که نباید این کار را انجام دهند، اما به هر حال این کار را می‌کنند. ظاهراً عزرا توانایی این را داشت که این چیزها را کنار هم قرار دهد.

او کاتب نامیده می‌شود، یک محقق حقوقی که می‌توانست این روایات را به این شکل مکتوب که جمع و جور و جیبی بود، در بیاورد. هر چه که بود. خوب، به اندازه طومار، اما به این بزرگی.

اما او می‌توانست این چیزها را کنار هم بگذارد، و می‌توانست آنها را به مردم تحمیل کند و اساساً آنها را به قانون کشور تبدیل کند. و این به نظر چیز جدیدی است. حالا، کمی جلوتر.

، قانون عهد عتیق در اینجا. معمولاً، شکل قوانین عهد عتیق، درست مانند اشکال موجود در قانون حمورابی، درست مانند اشکال موجود در قانون اور-نامو، درست مانند اشکال موجود در قوانین آشور میانه، کازویستی است. بنابراین چیزهایی مانند این وجود دارد.

اگر یک غلام عبرانی بخری، باید شش سال به تو خدمت کند. اما در سال هفتم، بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای آزاد خواهد شد. بنابراین، اگر او را بخری، در سال هفتم آزاد می‌شود.

اگر تنها بیاید، تنها هم آزاد می‌شود. اما اگر همسری گرفته باشد، آن همسر هم با او می‌رود. این قانون ریاکارانه است.

گاهی اوقات ما در تورات قوانین قطعی داریم. و در اینجا چیزی شبیه به، مثلاً، در لاویان ۱۸:۲۱ می‌بینیم هیچ یک از فرزندان را وادار نکن که به مولک، هر معنایی که دارد، بپیوندند. بحث‌های زیادی در مورد این موضوع وجود داشته است.

به نظر می‌رسد که دارند درباره قربانی کردن کودکان صحبت می‌کنند. فکر می‌کنم دارند درباره قربانی کردن کودکان صحبت می‌کنند. اما بعضی‌ها فکر کرده‌اند شاید این فقط یک فداکاری باشد، درست است؟ نمی‌دانم.

فکر می‌کنم دارند درباره قربانی کردن کودکان صحبت می‌کنند. شما نباید نام خداوند، خدایتان را بی‌حرمت کنید. من یهوه هستم.

لاویان ۱۸:۲۱. این قطعی و یقینی است. پس ده فرمان کجای این ماجرا قرار می‌گیرد؟ خوب، بدیهی است که ده فرمان قطعی و یقینی هستند. نباید کسی را کشت.

زنا مکن. این قطعی‌ترین و بدیهی‌ترین چیزی است که می‌توان فهمید. اما نکته جالب دیگر در مورد ده فرمان و چیزی که آن را از مثلاً قوانین حمورابی یا حتی مثلاً برخی از قوانین لاویان و اعداد و غیره متمایز می‌کند این است که هیچ یک از آنها شامل هیچ مجازاتی نمی‌شوند.

اوپس. بفرمایید. خوب، به چیزی داریم مثل اینکه، نباید بکشی.

خوب، خوب، با کسی که قتل می‌کند چه باید کرد؟ در ده فرمان نیامده است که زنا نکنید. نگفته است.

با قانون‌شکنان چه باید کرد؟ چگونه با آنها رفتار می‌کنید؟ در ده فرمان چنین چیزی نیامده است. و همچنین این مشکل وجود دارد که وقتی به ده فرمان فکر می‌کنید، معمولاً مبهم هستند. و اینجاست که با انواع تفسیرهای مختلف و غیره مواجه می‌شویم.

یکی از چیزهایی که همیشه از افرادی که کتاب مقدس را به خوبی نمی‌دانند می‌شنوید این است که چیزی شبیه به این می‌گویند «:خب، شما نمی‌توانید جنگ کنید زیرا کتاب مقدس می‌گوید نباید بکشید.» خب در آن ترجمه انگلیسی ابهام وجود دارد، اما واقعاً منظور من اینجا این نیست. در آن ترجمه عبری هیچ ابهامی وجود ندارد.

اما فرامینی وجود دارد که به نظر می‌رسد نسبتاً مبهم هستند، مثلاً به پدر و مادر خود احترام بگذارید. این به چه معناست؟ به پدر و مادر خود احترام بگذارید. آنها احتمالاً در دوران باستان خاور نزدیک ایده‌هایی در مورد اینکه این شامل چه چیزهایی می‌شود، داشته‌اند و وقتی به آن مورد رسیدیم، در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

اما مطمئناً ابهاماتی در آن وجود دارد. یا مثلاً روز سبت را به یاد داشته باشید و آن را مقدس نگه دارید. در شش روز، تمام کارهایتان را انجام دهید.

حالا، این یکی کمی بسط پیدا می‌کند، اما نه تا حدی که بتوانیم تشخیص دهیم کار چیست. و البته این چیزی است که فریسیان کاملاً به آن وسواس داشتند، در مورد اینکه چگونه کار را تعریف می‌کنید. و به این ترتیب است که در نهایت به مقرراتی می‌رسید که می‌گویند اگر کسی در روز سبت قانون آنها را زیر پا بگذارد، شما مجاز به خیس کردن آن هستید، اما اجازه ندارید آن را بمالید. یا اگر بالش کسی گوله گوله باشد، شما مجاز هستید در روز سبت آن را با سرتان پف دهید، اما اجازه ندارید در روز سبت آن را با دستانتان پف دهید، زیرا این کار به منزله کار محسوب می‌شود.

بله، کمی ابهام وجود دارد. شما کار را چگونه تعریف می‌کنید؟ و خاخام‌ها سعی کردند تمام این ابهام را از بین ببرند، اما لزوماً خیلی موفق نبودند. اما نکته دیگری که باید در مورد ده فرمان در نظر گرفت این است که آنها به نوعی غیرقابل اجرا هستند.

و اینجا من در درجه اول به آن فرمان آخر فکر می‌کنم، که کاملاً در جهان باستان بی‌نظیر است. البته قرار است در آخرین سخنرانی‌مان در مورد آن صحبت کنیم. اما چه کسی قانونی مانند «آنچه دیگری دارد را نخواهی» تصویب می‌کند؟ چگونه آن را اجرا می‌کنید؟ آیا فکر می‌کنید پلیس سعی می‌کند ذهن مردم را بخواند، یا باید مردم را زیر نظر داشته باشید تا ببینید آیا آنها با شهوت به همسر شخص دیگری نگاه می‌کنند یا چیز دیگری؟ اگر به آن به عنوان یک قاعده نگاه کنید، واقعاً هیچ راهی برای اجرای آن قانون وجود نداشت.

اگر به آن به عنوان یک قاعده نگاه می‌کنید. و نکته‌ی مهم همین جاست. آیا واقعاً به شیوه‌ای که ما معمولاً در مورد یک قاعده فکر می‌کنیم، یک قاعده است؟ نه، اینطور نیست.

این یک شرط پیمان است. اسرائیل در حال ورود به یک رابطه پیمانی با خدای خود است. و ده فرمان تعهداتی است که مردم اسرائیل به عنوان بخشی از آن رابطه پیمانی با خدای خود به پذیرش آنها فراخوانده شده‌اند.

درست همانطور که گروه‌های مختلف تحت حکومت پادشاه حمورابی مجبور بودند قوانین حمورابی را به دلیل مزایایی که از عضویت در پادشاهی حمورابی دریافت می‌کردند، بپذیرند، قوم اسرائیل نیز وارد یک رابطه پیمانی با خدای خود می‌شوند و باید مسئولیت‌های آن پیمان را بپذیرند. و من معتقدم که ده فرمان پایه و اساس آن مجموعه قوانین هستند. آنها به خودی خود قوانین نیستند.

آنها تعهداتی هستند، شروطی که خودشان به وجود می‌آورند. من دوست دارم ده فرمان را بیشتر به عنوان عهد و پیمان در نظر بگیرم تا به عنوان قانون. و در اینجا فکر می‌کنم که شما حق دارید سکوت کنید.

هر چیزی که بگویید ممکن است علیه شما استفاده شود. استعاره ازدواج یک نماد رایج کتاب مقدس برای رابطه بین اسرائیل و مردم آن است. و این به ویژه در پیامبران، البته در پیامبر هوشع، مطرح شده است.

ما یکی از زیباترین و در عین حال رقت‌انگیزترین کاوش‌ها در این زمینه را در کتاب حزقیال داریم، واقعاً دلخراش، این ایده که خدا و قومش در یک رابطه زناشویی هستند. و خدا قوم خود را دوست دارد و به آنها متعهد است، و آنها مدام به او پشت می‌کنند، و به زنا و این نوع کارها ادامه می‌دهند. اما شما به عروسی و ازدواج فکر می‌کنید، و یکی از کارهای اصلی، البته، ما انجام می‌دهیم تبادل نذرها است.

قول می‌دهم که همیشه با تو مهربان، صبور و مهربان باشم. قول می‌دهم که خیانت نکنم. و کلی دروغ‌های دیگر از این قبیل.

قول می‌دهم که تمام بدی‌ها را به خودم نگیرم، این نوع چیزهای خوب، پایه و اساس رابطه هستند. اما یکی از اصلی‌ترین چیزهایی که مردم هنگام ورود به آن رابطه زناشویی قسم می‌خورند، آن کل کل در مورد رها کردن همه چیزهای دیگر است. من فقط به تو وفادار خواهم بود.

ضمناً، این نوع نذرها لزوماً برای ما جدید و مدرن نیستند. و ریشه در گذشته‌های بسیار دور و بسیار کهن دارند. و حتی در زمان‌هایی که این قوانین داده می‌شد، آنها قراردادهای ازدواجی داشتند که در آنها این نوع مقررات را باید رعایت می‌کردند.

و بنابراین این استعاره کاملاً با آنچه در اسرائیل در حال وقوع است، مطابقت دارد. و با این کل ماجرای انحصاری بودن رابطه شروع می‌شود. تو قرار است با من ازدواج کنی.

قرار نیست کس دیگری داشته باشی. و آن کجاست؟ ما آن را در همان ابتدا در ده فرمان می‌بینیم. من خداوند خدای تو هستم که تو را از سرزمین مصر بیرون آوردم.

تو خدای دیگری نخواهی داشت. بنابراین، این یک رابطه تک همسری است که ما اینجا در مورد آن صحبت می‌کنیم. من فکر می‌کنم شما می‌توانید استدلال کنید که خدا می‌تواند همسران دیگری داشته باشد، اما فکر نمی‌کنم که ما به آنجا برویم.

اما به هر حال. البته، این مستلزم تعهدی از جانب مردم است. هیچ کس نمی‌تواند با اطمینان بگوید که آیا کسی طمع دارد یا نه.

هیچ کس نمی‌تواند با قطعیت بگوید که کسی خواهان قاطر همسایه‌اش است. و خب، چه کسی قرار است این را کنترل کند؟ خودتان. خودتان قرار است آن را کنترل کنید.

مسئولیت را به عهده می‌گیرید بر شماست که این احکام را رعایت کنید. این احکام واقعاً در مورد همین موضوع هستند. آنها در مورد رابطه بین خدا و قومش و مسئولیت‌هایی هستند که مردم برای انجام این تعهدات که در ده فرمان آمده است، بر عهده می‌گیرند.

حالا، اجازه دهید کمی در مورد برخی از مسائل مهم تاریخی در مورد ده فرمان صحبت کنم، زیرا این مسائل در زمینه‌های مختلفی مطرح شده‌اند. حتی تا به امروز بحث‌های زیادی در مورد ده فرمان وجود دارد. بسیاری از محققان نمی‌دانند که با آنها چه کنند.

و شما نظرات زیادی خواهید شنید مبنی بر اینکه ده فرمان، همانطور که در خروج ۲۰ آمده است، نمی‌تواند به شکل اولیه یا شکل اولیه آنها باشد، و اینکه آنها باید در طول سال‌ها تغییرات زیادی کرده باشند، و غیره. چرا آنها با این موضوع مشکل دارند؟ خب، اول از همه، این سوال وجود دارد که چگونه نقد تاریخی به سادگی امکان معجزه را انکار می‌کند. بنابراین ایده ظاهر شدن خدا بر قله کوه و نوشتن این چیزها روی لوح‌های سنگی برای برخی افراد کمی دور از ذهن به نظر می‌رسد.

به خاطر این واقعیت که این عنصر معجزه‌آسا وجود دارد، رد خواهند کرد. و وقتی به آن فکر می‌کنید، کمی عجیب است، اما حتی در مورد وجود موسی نیز شک و تردید زیادی وجود دارد. و وقتی در دوره دکترا در شیکاگو در مقطع کارشناسی ارشد بودم، کمی تعجب کردم. من دوستی داشتم که یک کشیش کاتولیک بود من در موسسه پاپی در رم تحصیل کرده بودم، اما من و او یک بار در مورد موسی صحبت می‌کردیم و حتی به یاد نمی‌آورم که چگونه وارد این موضوع شدیم، اما من چیزی در مورد آن گفتم، خب، برای من کاملاً واضح است که موسی وجود داشته است و او گفت، جدی؟ و من گفتم، خب، بله.

او می‌گوید، چطور می‌توانی این را باور کنی؟ او می‌گوید که او آشکارا یک شخصیت ساختگی است. و او دلایل متعددی را ارائه داد که چرا فکر می‌کند موسی یک شخصیت ساختگی است، و من با این واقعیت برگشتم که چندین مورد از این مواردی که او ذکر کرد، مانند این واقعیت که موسی نامی مصری داشت، در واقع شواهدی بر تاریخی بودن موسی هستند تا غیرتاریخی بودن او. من واقعاً فکر نمی‌کنم که عبری‌ها، اگر می‌خواستند بزرگترین قهرمان خود را بسازند، نامی مصری به او می‌دادند.

و علاوه بر این، آنها واقعاً نمی‌دانستند که معنی این اسم چیست، زیرا ریشه‌شناسی عامیانه‌ای که در کتاب به معنای mashach مقدس داریم این است که او از رودخانه بیرون کشیده شد و این از کلمه عبری کشیدن می‌آید، اما می‌دانیم که نام موسی در واقع مصری است و به معنای زاده شده از یا چیزی شبیه به پسر چیزی مانند نام رامسس، زاده شده از رع توت‌موس، زاده شده از توت و غیره است. بنابراین، نام موسی به وضوح مصری است، و من خودم هیچ مشکلی با مسئله اصالت او ندارم، اما اگر موسی وجود نداشت، بدیهی است که موسی هم وجود نداشت که برای گرفتن ده فرمان به بالای کوه برود. افراد دیگری هم هستند که به وجود موسی اعتقاد دارند، اما آنها به این موضوع اعتقاد دارند و من این را از یک محقق نسبتاً مشهور کتاب مقدس خواندم که چیزی شبیه به این می‌گفت که بله، موسی قطعاً وجود داشته است، او آنقدر در سوابق تاریخی بزرگ جلوه کرده که حتماً وجود داشته است، اما از طرف دیگر، موسی آنقدر کارهای زیادی برای انجام دادن داشته که تصور اینکه موسی برای دریافت قوانین و دریافت مجموعه قوانین و همه اینها وقت گذاشته باشد، دشوار است، بنابراین احتمالاً همه قوانین از زمان‌های بعدی آمده و به موسی نسبت داده شده‌اند.

چطور این را ثابت می‌کنید؟ این فقط نظر یک نفر است، درست است؟ فکر می‌کنم وقتی شروع به صحبت در مورد شکل اصلی ده فرمان می‌کنیم، کمی روی پایه محکم‌تری هستیم، اما هنوز هم، حتی در اینجا، فکر می‌کنم کمی متزلزل هستیم. دلیل اینکه می‌توانیم در اینجا در مورد برخی اختلافات صحبت کنیم این است که ما چند نسخه مختلف از ده فرمان در کتاب مقدس داریم، و چند جایی که به ده فرمان اشاره شده است جایی که سولاتی در مورد جمله‌بندی و ترتیب و این نوع چیزها وجود دارد. بنابراین، بین خروج ۲۰ و تثنیه ۵ تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد و من به آنها اشاره خواهم کرد، اما این واقعیت که بین این دو تفاوت‌هایی وجود دارد، به نظر می‌رسد که شاید بین زمان تثنیه یا زمان نگارش خروج و زمان نگارش تثنیه، یا اگر بخواهیم آن را از بافت تاریخی خارج کنیم، یعنی بین سنت تثنیه‌نویس و سنت کسی که خروج را نوشته

شاهد تحولی در تفکر هستیم یا حتی فقط دو جریان فکری متفاوت، دو سنت متفاوت که اشکال کمی متفاوتی از ده فرمان را حفظ کرده‌اند.

و بنابراین این سوال مطرح می‌شود که خب، کدام یک نسخه اصلی بوده است؟ بسیاری استدلال می‌کنند که این فرامین در ابتدا کوتاه‌تر بوده‌اند، مانند شماره‌های ۶ تا ۹، قتل نکن، زنا نکن و غیره، و اینکه همه آنها در ابتدا منفی بوده‌اند. بنابراین، احترام به پدر و مادر احتمالاً در ابتدا چیزی شبیه به این بود که به پدر و مادر خود بی‌احترامی نکن. به جای اینکه روز سبت را به خاطر داشته باشید تا آن را مقدس نگه دارید، در ابتدا چیزی شبیه به این بود که روز سبت را نقض نکنید یا چیزی شبیه به آن، و بعداً آن را گسترش دادند. این امکان وجود دارد.

من لزوماً آن را محتمل نمی‌بینم. من حتی شخصاً آن را ضروری نمی‌بینم. همچنین این سوال وجود دارد که آیا واقعاً ده فرمان وجود دارد یا خیر، زیرا در خروج ۲۰ نمی‌گوید ده فرمان، فقط می‌گوید اینها احکام هستند. در واقع از کلمه ده در آنجا استفاده نشده است، اما در جای دیگری در خروج ۳۴ و همچنین در تثبیه در مورد ده فرمان صحبت شده است. نکته دیگری که اغلب می‌بینیم این ایده است که همه ده فرمان در اصل جرایم سنگین بوده‌اند.

بنابراین قتل یک جرم سنگین است، زنا یک جرم سنگین است، و بنابراین این بحث وجود داشته است که برخی از این موارد، مانند طمع، اضافه شده‌اند. طمع نمی‌تواند یک جرم سنگین در نظر گرفته شود، اما دزدی یکی از مواردی است که بسیاری از محققان در مورد آن بحث می‌کنند. دزدی در ابتدا فقط به آدم‌ربایی اشاره داشت، زیرا آدم‌ربایی یک جرم سنگین بود؛ دزدی، دزدی از همسایه، جرم سنگین محسوب نمی‌شد. باز هم فکر نمی‌کنم که هیچ مبنایی برای این استدلال وجود داشته باشد.

چند دلیل اول از همه، مشخص نیست که این موارد جرایم سنگین بوده‌اند. زنا، و ما قرار است وقتی به زنا رسیدیم در مورد این صحبت کنیم، اما فکر می‌کنم دلیلی ندارد که خودم را تکرار کنم.

به این فکر کنید که چند نفر در عهد عتیق واقعاً به دلیل ارتکاب زنا کشته شدند؟ پاسخ صفر است. هیچ کس در عهد عتیق واقعاً نمرده است. چندین نفر مرتکب زنا شدند.

در واقع، افراد زیادی در عهد عتیق مرتکب زنا می‌شدند و بارها به این موضوع اشاره شده است، اما هیچ‌کس هرگز به دلیل ارتکاب زنا اعدام نشد، حتی با اینکه قانون می‌گوید زناکاران را سنگسار کنید. ما دوباره داستان معروف هوشع و همسرش جومر را داریم. چه اتفاقی می‌افتد؟ ظاهراً هوشع قصد داشت همسرش را به بردگی بفروشد.

خب، ما می‌دانیم که این یک مجازات رایج در آن روزها بود. اگر می‌خواستید از شر همسران خلاص شوید چون او مرتکب زنا شده بود و مشخص بود که این کار را کرده و گناهکار است، می‌توانستید او را به عنوان برده بفروشید. این یکی از راه‌هایی بود که با آن برخورد می‌شد و ظاهراً هوشع تصمیم به انجام آن گرفت.

ما داوود پادشاه را داریم، مشهورترین زناکار در بین همه آنها، و حتی یک قاتل، و چه اتفاقی برای او می‌افتد؟ خب، خدا گناه او را بخشید تا داوود نمرد. البته، او از آن پس انواع مشکلات را در خانواده‌اش داشت، و سپس در پیامبران بارها از افرادی که مرتکب زنا شده‌اند نام برده شده است. ما اشاراتی به افرادی داریم که به همسران خود خیانت می‌کنند و مردان از آن شکایت دارند، اما آنها چه می‌کنند؟ آنها هیچ کاری در مورد آن انجام نمی‌دهند.

اگر این همه زنا در جریان باشد، آدم فکر می‌کند که باید در اسرائیل مردم بمیرند، اما ظاهراً اینطور نیست. این ایده که همه این چیزها جرایم مستوجب اعدام بودند، وقتی به نحوه اجرای آنها نگاه می‌کنید، خیلی منطقی به نظر نمی‌رسد. شکستن حرمت سبت، من قبلاً در مورد این واقعیت صحبت کردم که شکستن حرمت سبت به طور منظم اتفاق می‌افتاد. ظاهراً، منظورم در حالت ایده‌آل شاید، ظاهراً یک جرم مستوجب اعدام بود، اما واقعاً به این شکل اجرا نمی‌شد.

بنابراین اگر قرار است بگوییم، خب، واضح است که اینجا چند استثنا یا استثنائات احتمالی وجود دارد، پس چرا برای چیزی مثل دزدی استثنا قائل نشویم؟ چرا برای چیزی مثل طمع استثنا قائل نشویم؟ فکر نمی‌کنم این مفهوم دوباره استدلال چندان محکمی باشد. خب، ما اینجا در مورد چند نسخه از ده فرمان صحبت می‌کنیم؟ خب، محققان دوست دارند بین خروج ۲۰، که آن را ده فرمان اخلاقی می‌نامند، که همان احکامی است که همه ما با آنها آشنا هستیم، و سپس خروج ۳۴، ۱۰-۲۶، که آن را ده فرمان آیینی می‌نامند، تمایز قائل شوند. حالا، من قصد داشتم اینجا یک کتاب مقدس بیرون بیاورم، نه یک نسخه شاه جیمز، اما بیابید نسخه بین‌المللی جدید، و به خروج ۳۴ نگاه خواهیم کرد.

کاری که آنها انجام می‌دهند این است که این‌ها را به دو سند منبع مختلف نسبت می‌دهند. معمولاً استدلال می‌کنند که خروج ۳۴ نسخه‌ای است که شاید از سنت کاهنان یا سنت تثنیه یا چیزی شبیه به آن آمده باشد، در حالی که خروج ۲۰ از سنت یهوهی می‌آید، اما آنها خروج ۳۴ را ده فرمان دیگری می‌نامند و دلیلش این است که عبارت ده فرمان در واقع در آنجا استفاده شده است. با این حال، بیابید این متن را بخوانیم و ببینیم که واقعاً اینجا چه می‌گوید. بنابراین خداوند به موسی گفت: دو لوح سنگی مانند لوح‌های اول را بتراش و من کلماتی را که قرار بود در لوح‌های اول بنویسی و تو آنها را شکستی، روی آنها خواهم نوشت. بله، خدا را شکر. من واقعاً به این یادآوری نیاز داشتم. صبح آماده باش، سپس به کوه سینا بیا، خودت را آنجا در بالای کوه به من نشان بده. هیچ کس نباید با تو بیاید یا در هیچ کجای کوه دیده شود، حتی گله‌هایی که صدای جرای مرا شنیده‌اند و غیره. موسی دو لوح سنگی و یک نشانه تراشید.

من بالا رفتم و غیره. و غیره. سپس خداوند پایین آمد، اعلام کرد، و آنجا ایستاد و نام خود، خداوند، را اعلام کرد، و او از جلوی موسی عبور کرد، و خداوند را بخشنده، مهربان، پرشور و غیره اعلام کرد. و غیره. موسی در حالی که به سمت راست حرکت می‌کرد، به زمین تعظیم کرد. بیابید اینجا را ببینیم، من در مقابل تمام قوم تو با تو عهد می‌بندم.

من معجزات انجام خواهم داد، و سپس به این احکام می‌رسیم، مردمی که در میان آنها زندگی می‌کنی، خواهند دید که من، خداوند، چه کار شگفت‌انگیزی انجام خواهم داد. برای تو، از آنچه امروز به تو فرمان داده‌ام اطاعت کن. من اموریان را که تو می‌نویسی از پیش روی تو بیرون خواهم راند. مراقب باش که با کسانی که با آنها پیمان می‌بندند، پیمان نبندی، قربانگاهشان را بشکن، سنگ‌های مقدسشان را بشکن، ستون‌های اشره‌شان را قطع کن، خدای دیگری را پرستش نکن، زیرا خداوندی که نامش حسود است، خدای حسودی است، اکنون به وضوح مشخص است که با فرمان اول مطابقت دارد. بسیار خوب، مراقب باش که با کسانی که در آن سرزمین زندگی می‌کنند پیمان نبندی، زیرا وقتی که آنها خود را با خدایانشان فاحشه می‌کنند و آنها را قربانی می‌کنند.

آنها شما را دعوت می‌کنند تا با آنها غذا بخورید و غیره و غیره. بنابراین این خیلی شبیه به فرمان اول است درست است؟ بت‌های ریخته‌گری درست نکنید. خب، یک فرمان دوم برای شما وجود دارد. عید نان فطیر را جشن بگیرید. هفت روز نان بدون مخمر بخورید، همانطور که اکنون به شما فرمان دادم، این در هیچ کجای ده فرمان نیست. بسیار خوب. اولین فرزند هر رحم متعلق به من است، از جمله همه نخست‌زاده‌های نر دام‌های شما، چه از گله و چه از گله. اولین الاغ را با یک بره باخريد کردم و غیره. این در ده فرمان نیست. هیچ کس نباید دست خالی در مقابل من حاضر شود. شش روز در روز هفتم کار خواهید کرد.

باید کمی استراحت کنی. خب، روز سبت است، درست است؟ عید هفته‌ها را با اولین میوه‌های برداشت گندم جشن بگیرد. خب، ما یک جشن عید داریم که باز هم در ده فرمان ذکر نشده است. خب، سه بار در سال، مردان شما باید در حضور من در حضور خداوند خدا حاضر شوند. دستور ندهید خون قربانی را با چیزی که حاوی مخمر باشد، برای من تقدیم کنند. خب، قربانی عید فصح تا صبح باقی نماند. بهترین میوه‌های سرزمین خود را به خانه خداوند، خدای خود بیاورید. بزغاله را در شیر مادرش نپزید. سپس خداوند به موسی گفت این دستورات را بنویس، زیرا طبق این کلمات با تو عهد بسته‌ام و موسی در اسرائیل ۴۰ روز و شب آنجا با خداوند بود، بدون اینکه نان بخورد یا آب بنوشد. و او بر روی لوح‌ها، کلام عهد، ده فرمان ۴۰ را نوشت. خب، این استدلالی است که محققان می‌گویند ده فرمان اصلی شامل این فهرست از اعیاد و این چیزها در مورد قربانی‌ها و غیره بود و بنابراین در واقع دو نسخه مختلف از ده فرمان وجود داشت: نسخه خروج ۲۰ و سپس نسخه خروج ۳۴ که شامل همه این چیزها در مورد انواع مختلف اعیاد و قربانی‌ها و غیره بود. زیرا می‌گوید که او کلمات عهد را برای ده فرمان نوشت. اما بله، من فکر نمی‌کنم دلیلی وجود داشته باشد که فرض کنیم ده فرمان به تمام آن چیزهایی که او همین الان گفت اشاره دارد. می‌دانید، من چندین بار تمام فرمان‌های مختلف موجود در آن لیست را شمرده‌ام و هیچ راهی وجود ندارد که بتوانم از آن خارج شوم. فکر می‌کنم او می‌گوید بله، من نوشتم که او ده فرمان را نوشته است. اما همه این قوانین دیگر نیز وجود دارد که او به آنها اشاره می‌کند. او تصریح نمی‌کند که آن قوانین در خروج ۳۴، ده فرمان هستند بنابراین فکر نمی‌کنم که این شخصاً نسخه متفاوتی از ده فرمان باشد، باشه. در مورد تثنیه ۵ چطور، چون آن یکی دیگر است، بنابراین بله، خروج ۳۴ خلاصه‌ای از قوانین است. تثنیه ۵ البته این مورد بهتری است زیرا در تثنیه ۵ ما نسخه‌ای داریم که بسیار بسیار شبیه به نسخه‌های موجود در خروج ۲۰ است و موسی در ابتدا می‌گوید: می‌دانید، اینها فرمان‌هایی هستند که خدا به ما داده است، اما به عنوان مثال تفاوت‌هایی وجود دارد. بیابید به چند نکته در اینجا نگاه کنیم. خروج ۲۰ این یک مورد مهم است. این اولین مورد است: روز سبت را به یاد داشته باش تا آن را مقدس نگه داری. شش روز کار کن و تمام کارهایت را انجام بده؛ روز هفتم، روز سبت است.

نباید هیچ کاری بکنی. تو موجودی زندگی پست را در شش روز ساختی. خداوند آسمان و زمین و هر آنچه را که در آنهاست آفرید. اما در روز هفتم استراحت کرد، بنابراین خداوند روز سبت را برکت داد و آن را تقدیس کرد. چرا باید روز سبت را طبق خروج ۲۰ نگه داریم؟ زیرا در روز هفتم خلقت، خدا استراحت کرد. باشه؟ تثنیه ۵ چطور؟ روز سبت را رعایت کنید و آن را نگه دارید. مقدس است خداوند، خدای تو شش روز به تو فرمان داد تا کار خود را انجام دهی و غیره. چرا؟ به یاد داشته باش که تو در سرزمین مصر برده بودی و خداوند، خدای تو، تو را با دستی توانا و بازویی دراز از آنجا بیرون آورد، بنابراین خداوند به تو فرمان داد که روز سبت را نگه داری. بسیار خوب. بنابراین ما در تثنیه ۵ منطق متفاوتی نسبت به خروج ۲۰ داریم. خروج ۲۰ ریشه‌های روز سبت را در خلقت، تثنیه ۵ در عمل‌هایی که در خروج رخ داد، داریم. بسیار خوب، و سپس ما در اینجا چیز طمع را داریم.

فقط به فرق کوچک اینجا هست. خانه همسایه خود را نپوشانید. زن همسایه خود را نپوشانید. برده مرد یا زن، گاو نر یا الاغ، هیچ چیز متعلق به همسایه شما نیست. تثنیه ۵. همچنین زن همسایه خود را نپوشانید. همچنین به خانه یا مزرعه همسایه خود یا غلام مرد یا غلام زن یا گاو نر یا الاغ یا هر چیزی که متعلق به همسایه است، طمع نورزید. تفاوت کمی جالب در اینجا وجود دارد. احساس من این است که تثنیه نسخه جدیدتر و منعکس شده تری از ده فرمان است. چرا بنی اسرائیل باید قانون را رعایت کنند؟ خب، ممکن است بگویم دلیل هستی شناختی این است که خدا آن را در خلقت مقرر کرده است، در حالی که نوعی دلیل اخلاقی این است که خودتان می‌دانید کار سخت و مبارزه چگونه است. بنابراین، چون مجبور بوده‌اید. آن را پشت سر بگذارید، باید نسبت به افراد دیگری که مجبور به مبارزه هستند، دلسوز و با ملاحظه باشید. پس یک روز مرخصی بگیرید، به خودتان استراحت دهید، به بردگان خود استراحت دهید، به خدمتکاران خود استراحت دهید، به حیوانات خود استراحت دهید، زیرا این کار درست است و شما باید آن را بدانید زیرا شما

، آنجا بوده‌اید. این بسیار بسیار نوعی از تثنیه و روش استدلال تثنیه می‌دانید که اگر به سفر خروج برگردیم، آنها اساساً همین حرف را می‌زنند، فقط مبنای متفاوتی به آن می‌دهند. تثنیه با طمع، این به دلیلی که بعداً به آن خواهیم پرداخت، قابل توجه خواهد بود. اما بله، آنها همسر را به جلو منتقل می‌کنند و آن را تا حدی از دیگران جدا می‌کنند. تثنیه همچنین مزارع را اضافه می‌کند. و فکر من این است که دلیل اضافه کردن مزارع فقط این است که تعداد چیزهایی که در اینجا مورد طمع قرار می‌گیرند را به هفت مورد برسانند

بله، چون می‌دانید، آنها دوست دارند کامل شوند، درست است؟ خب، شما فهرستی از هفت چیز را ذکر کردید، و بعد چیزی نگفتید که متعلق به همسایه‌تان باشد. می‌دانید که عدد هفت، عدد کامل شدن است. پس شما می‌گویید خب، این هفت چیز است، و می‌دانید، قرار نیست به هیچ یک از اینها طمع کنید، و اساساً این به این معنی است که با فهرست کردن هفت چیز، می‌گویید به هیچ چیز همسایگانان طمع نورزید. چرا زن را به جلو می‌بریم؟ می‌گوییم چه کسی می‌داند، اما می‌گوییم بخشی از دلیل این است که برخی می‌گویند تثنیه ممکن است سعی داشته باشد سنتی را منعکس کند که زن را با اموال خانه یکی نمی‌داند خواندن خروج ۲۰ آسان است و دستور عهد طمع می‌گوید تمام دارایی‌های همسایه‌تان از جمله همسرش. این یکی از راه‌هایی است که می‌توانید آن را بخوانید. فکر نمی‌کنم لازم باشد آن را به این شکل بخوانید و به آن می‌رسیم. البته وقتی در مورد آن فرمان صحبت می‌کنیم، اما ممکن است که تثنیه بخواند روشن کند که همسر نباید جزو دارایی‌های مرد محسوب شود و به همین دلیل است که آنها به جلو منتقل شده‌اند. این فقط یک حدس از طرف من است. اما من فکر می‌کنم که خروج ۲۰ شکل اصلی ده فرمان را نشان می‌دهد و فکر می‌کنم هر بازسازی دیگری فقط حدس و گمان است و پایه و اساس زیادی برای آن ندارد.

منظورم این است که سوال دیگر در مورد ده فرمان این است که آیا ده فرمان است یا یازده؟ خب، همه در مورد ده فرمان اتفاق نظر دارند زیرا کتاب مقدس ده فرمان را می‌گوید، اما در نحوه شمارش آنها تفاوت وجود دارد. به عنوان مثال، من خداوند خدای شما هستم که همه اینها را گفتم و شما را از مصر از بردگی بیرون آوردم. شما هیچ خدای دیگری قبل از من نخواهید داشت. بیایید فقط اینها را خیلی سریع اینجا مطرح کنیم. برای خودتان بت نسازید. بله، برای آن دسته از افرادی که فقط می‌توانند چهار مورد از آنها را در اینجا به خاطر بیاورند، اینها هستند. از نام پروردگار خدای خود سوءاستفاده نکنید. من این ترجمه را دوست ندارم. واقعاً می‌دانید. خداوند خدای خود را به نام پروردگار و خدای خود بیهوده نگیرید، همانطور که نسخه قدیمی کینگ جیمز انجام می‌داد. واقعاً بهترین ترجمه است. روز سبت را به یاد داشته باشید تا آن را مقدس نگه دارید. به پدر و مادر خود احترام بگذارید. قتل نکنید، زنا نکنید، دزدی نکنید، شهادت دروغ ندهید. به خانه همسایه خود طمع نورزید. باز هم من این را کمی متفاوت از خانه ترجمه می‌کنم. من این را به صورت «خانه» ترجمه می‌کنم. «خانه همسایه‌ات را طمع نکن» و به آن طمع نورز. ما در حال صحبت نیستیم.

من به ساختار فیزیکی فکر نمی‌کنم، و وقتی بعداً در مورد ساختار ده فرمان صحبت می‌کنیم، به آن هم خواهیم پرداخت. این چیزی است که دوباره کمی سوال و کمی بحث پشت آن وجود دارد، اما فکر نمی‌کنم ترتیب آنها تصادفی باشد. در اینجا یک ساختار خوب طراحی شده وجود دارد. اول از همه، ما فرامین یک تا سه را داریم که همه در مورد تعهدات ما نسبت به خدا هستند. این دلیل دیگری است که من فکر می‌کنم خروج ۲۰ نسخه معتبرتری است، زیرا این ساختار بسیار واضح را دارد، الگوی بسیار واضحی که در برخی از نسخه‌های دیگر نیز منعکس نشده است. فرامین یک تا سه تعهدات انسانی نسبت به خدا، سپس به یک تعهد نه تنها نسبت به خدا، بلکه نسبت به خلقت در روز سبت می‌رسیم. می‌دانید چرا ما سبت را نگه می‌داریم؟ خب؟ نه به این دلیل که ما خودمان هستیم، بلکه به این دلیل که ما جامعه خود را حفظ می‌کنیم با هموعان خود یا با طبیعت خوب هستیم. مزارع ما و غیره و می‌دانید، در کتاب مقدس صحبت‌های زیادی در مورد دادن یک روز سبت به زمین‌هایتان وجود دارد. گذشت یا سال‌ها ممکن است درست باشد، اما ایده این است که آن زمین نیز به استراحت نیاز دارد. و البته حیوانات شما، بنابراین این نه تنها مربوط به تعهدی نسبت به خداست، بلکه تعهدی نسبت به تمام خلقت است. سپس به مورد بعدی می‌رویم و به پدر و مادر

خود احترام می‌گذاریم. و این آغاز تعهدات ما نسبت به سایر انسان‌ها است و جالب است که با احترام به پدر و مادر خود شروع می‌شود که به نظر می‌رسد برای ما چیز نسبتاً کوچکی باشد، نه اینکه با چیز بزرگ شروع کنیم، که می‌تواند کشتن نباشد. اما دلیلی برای این وجود دارد که وقتی در مورد آن فرمان صحبت می‌کنیم به آن خواهیم رسید و سپس شش تا نه تعهدات ما نسبت به دیگران و نوعی ترتیب نزولی شدت و من با متکلمان بحث‌هایی داشته‌ام که استدلال می‌کنند. نه، نه، شما باید همه آنها را یکسان بشمارید. هر گناهی یکسان است. نه، این درست نیست.

. می‌دونی، از کسی پرسی، ترجیح می‌دی یکی کیفیت رو بدزده یا بکشتت. مسخره‌ست که بگیم اینا معادلن می‌دونی، نه. واضحه که اینجا یه کاهش شدت وجود داره، از قتل به زنا که خیلی خیلی بد تلقی می‌شد، به دزدی از کسی، به گفتن حرف‌های دروغ در مورد اونا یا گفتن چیزهایی در مورد اونا که نباید می‌گفتی و بعد به مورد آخر که در مورد زندگی درونی ماست. بنابراین ما از تعهدات به خدا از طریق تعهداتمون به دیگران به یک تعهد واقعی به زندگی فکری خودمون و به احترام گذاشتن و نظم دادن به زندگی فکری خودمون حرکت می‌کنیم. پس بیایید یه کم این رو اینجا مطرح کنیم. بیایید کمی سریع در مورد چگونگی تفسیر ده فرمان صحبت کنیم. اول از همه باید اونا رو در بافت فرهنگی تاریخی‌شون بخونیم. این خیلی مهمه که بفهمیم چرا زنا برای مردم دنیای باستان اینقدر بد بوده. از نظر درک با چیزی که ما امروزه از زنا می‌فهمیم خیلی متفاوت بوده. یه عالمه بار فرهنگی پشت ایده عدم شهادت دروغ وجود داره. می‌دونی، پس به این چیزها در بافت خودشون نگاه کن. این فرمان‌ها برای اسرائیل باستان طراحی شدن نه برای آمریکای مدرن. مطرح کردنشون در دادگاه‌هامون ممکنه بهترین و عاقلانه‌ترین پرونده نباشه چون ما... نه اسرائیل باستان. می‌دانید که ما حکومت دینی نداریم. ما به عنوان یک ملت تحت حکومت خدا نیستیم، می‌دانم که بعضی‌ها بحث خواهند کرد.

خب. ما باید شخصاً... من اینطور فکر نمی‌کنم... من این را قبول ندارم... من معتقدم که ما شهروندی خود را در پادشاهی خدا داریم و این کسی است که خدا بر او حکومت می‌کند. در این روزگار هیچ نهاد سیاسی وجود ندارد، اما به هر حال، ارزش در اینجا بیان شده است. کار در چارچوب یک حکومت دینی مردمی که توسط خدا اداره می‌شوند، فرامین منادی شکست‌های اسرائیل هستند. می‌دانید، دیوید نوتل فریدمن چند سال پیش کتابی نوشت که فکر نمی‌کنم واقعاً کسی را متقاعد کند، اما بسیار جذاب بود زیرا او استدلال کرد که کل تاریخ اسرائیل اساساً مبتنی بر شکست‌های ده فرمان است و اینکه در هر یک از این موارد که هر کتاب عهد عتیق را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که بر یک فرمان متفاوت تأکید شده است و گاهی اوقات استدلال‌های او بسیار خلاقانه است. اما نکته این است که من حدس می‌زنم این واقعیت که شما می‌توانید این استدلال را با چهره‌ای جدی مطرح کنید، نشان می‌دهد که واقعاً این ده فرمان، مناجاتی هستند که شکست‌های اسرائیل را پیش‌بینی می‌کنند. به خصوص اینکه با آن فرمان اول، که فرمان بزرگ در مورد پرستش خدایان دیگر است، آنها را در زمینه ادبی و الهیاتی نیز بخوانید، باشه؟ با این اوصاف، متوجه می‌شویم که ده فرمان بخشی از مجموعه کتب مقدس عبری هستند. این همان شیوه‌ای است که آنها درک می‌شدند. آنها به گونه‌ای درک می‌شدند که تحقق یافته‌اند و همه آنها در کتاب‌های دیگر عهد عتیق شرح داده شده‌اند و اکنون البته برای ما به عنوان مسیحی، آنها را در پرتو آنچه توسط عیسی تعلیم داده شده است نیز می‌خوانیم. چیز کوچکی به نام موعظه بالای کوه وجود دارد که در آن عیسی چندین مورد از این احکام را بررسی می‌کند و با جزئیات کامل در مورد آنها و اصولی که عیسی بیان می‌کند، صحبت می‌کند.

. واقعاً پایه و اساس اصلی برای نحوه درک چگونگی اعمال ده فرمان بر ما در زمان و زندگی فعلی ما وجود دارد. یک سوال دیگر که می‌خواهم اینجا به آن پردازم و نمی‌توانم آنطور که باید به آن توجه کنم، اما حداقل باید، به آن اشاره کنم. آیا مسیحیان موظف به رعایت ده فرمان هستند؟ اگر به صورت آنلاین به اینترنت بروید کلی وب‌سایت پیدا خواهید کرد که در آنها مردم استدلال می‌کنند که ده فرمان کاملاً منسوخ شده‌اند، و هیچ ارتباطی با زندگی مسیحی امروز ندارند، که می‌دانید، و به نظر می‌رسد چیزی که واقعاً روی آن تمرکز می‌کنند فرمان سبت است. می‌دانید، فکر می‌کنم چیزی که اینجا دارید، افرادی هستند که قبلاً اینطور بودند؟ پیروان

سبت و سپس جنبش را ترک کردند و اکنون یک مشکل دارند و بنابراین آنها می‌گویند، ما هیچ یک از قوانین را درست رعایت نمی‌کنیم، بنابراین اگر هیچ یک از قوانین را رعایت نکنیم، بدیهی است که مجبور نیستیم روز سبت را تعطیل کنیم. اما آیا ما تحت تعهدی هستیم؟ او، بیاید از یکی به مورد اول برویم. تقریباً هیچ مسیحی امروز استدلال نمی‌کند که مردم می‌توانند هر کاری که می‌خواهند انجام دهند، بدیهی است، اما بسیاری استدلال می‌کنند که ما هیچ تعهدی برای رعایت قوانین عهد عتیق نداریم. که تا حدی توسط تعدادی از متون کتاب مقدس پشتیبانی می‌شود. می‌دانید، پولس نوشت: با اعمال شریعت هیچ بشری توجیه نخواهد شد. بنابراین ما نمی‌توانیم خودمان را با تعداد قوانینی که رعایت می‌کنیم، توجیه کنیم. ما با رعایت قوانین نجات نمی‌یابیم، اما من استدلال می‌کنم که اسرائیل هم اینطور نبود و در یک دقیقه در مورد آن صحبت خواهیم کرد. ما از نظر معنوی ملزم به رعایت قانون نیستیم، اما اسرائیل باستان هم اینطور نبود اما می‌دانید، قوانین تا حدودی جامعه آنها را نظم می‌دادند؟ باور نکنید که عهد عتیق منسوخ شده است، و من این را با اعتبار خوبی از شخصی به نام عیسی مسیح دارم. من فکر نمی‌کنم که آمده‌ام تا شریعت یا پیامبران را منسوخ کنم، من نیامده‌ام تا آنها را منسوخ کنم، بلکه آمده‌ام تا آنها را به انجام برسانم. کسانی هستند که استدلال می‌کنند که خب، شریعت زمانی که عیسی بر روی صلیب مرد، به انجام رسید. من فکر نمی‌کنم، بنابراین فکر می‌کنم آنچه عیسی در مورد آن صحبت می‌کند، زمانی است که پادشاهی او به کمال خود می‌رسد. این معمولاً روشی است که عیسی در مورد تحقق مأموریت خود صحبت می‌کند. مأموریت او زمانی که از مردگان برخاست، به انجام نرسید. مأموریت او زمانی که در جلال نهایی خود بازگردد و پادشاهی او به کمال خود برسد، به انجام خواهد رسید. و آن زمانی است که دیگر نیازی به شریعت نخواهد بود زیرا بر قلب‌های ما نوشته خواهد شد. و هیچ کس، هیچ یک از ما، مجبور نخواهیم بود در مورد معنای ده فرمان سخنرانی کنیم. زیرا همانطور که کتاب ارمیا به ما می‌گوید، هیچ کس مجبور نخواهد بود به همسایه خود بگوید: «خداوند را بشناس» زیرا همه آنها خداوند را خواهند شناخت.

این اتفاق الان نیفتاده است. این اتفاق نخواهد افتاد تا زمانی که پادشاهی خدا به طور کامل فرا برسد بنابراین رویکرد عیسی به شریعت، رعایت نیت شریعت است و این را به وضوح در خیمه در خطبه بالای کوه او می‌بینیم و همانطور که ده فرمان را مرور می‌کنم، این چیزی است که بارها و بارها بر آن تأکید خواهیم کرد و آن این واقعیت است که ما باید نیت شریعت را حفظ کنیم نه اینکه به متن شریعت توجه کنیم. پولس می‌گوید: «این متن می‌کشد، اما روح زنده می‌کند» و می‌توانیم بگوییم که صحبت از روح القدس است، اما روح القدس روح شریعت است. بنابراین با حفظ روح شریعت می‌توانیم در راه‌هایی که مورد رضایت خداست گام برداریم. حالا فکر می‌کنم می‌خواهم این را اینجا به پایان برسانم. در واقع چندین اسلاید دیگر دارم که می‌توانم در مورد دیدگاه جدید در مورد پولس و غیره مطرح کنم، اما فکر می‌کنم از آنها صرف نظر می‌کنم زیرا فکر می‌کنم اینجا جای خوبی برای پایان دادن به این بحث است.

این دکتر آنتونی جی. توماسینو و آموزه‌های او در مورد ده فرمان است. این جلسه شماره یک، ده فرمان و شریعت است.

خب، خداوند به موسی فرمود دو لوح سنگی مانند لوح‌های اول بتراش. خدا را شکر، من واقعاً به این یادآوری نیاز داشتم. صبح آماده باش، سپس به کوه سینا بیا و خودت را آنجا به من نشان بده. بالای کوه، هیچ کس نباید با تو بیاید یا در هیچ کجای کوه دیده شود، حتی گله‌ها هم نمی‌توانند چرا کنند و غیره. موسی دو لوح سنگی تراشید و سینا بالا رفت و غیره. سپس خداوند پایین آمد و نام خود را اعلام کرد. خداوند به سینا پایین آمد و در امتداد آن حرکت کرد. موسی به زمین تعظیم کرد. بیایید ببینیم که من در مقابل تمام قوم تو با تو عهد می‌بندم. من معجزات انجام خواهم داد و سپس به این احکام می‌رسیم. مردمی که در میان آنها زندگی می‌کنی، خواهند دید که کاری که من، خداوند، برای تو انجام خواهم داد چقدر شگفت‌انگیز است. از آنچه امروز به تو دستور داده‌ام، اطاعت کن. من اموریان را از پیش روی تو بیرون خواهم راند و غیره ستون‌های اشره آنها را قطع کن. خدای دیگری را پرستش نکن، زیرا خداوند که نامش حسود است، اکنون به وضوح خدای حسود است که با فرمان اول مطابقت دارد. مراقب باش که با کسانی که در آن سرزمین زندگی می‌کنند، پیمان نبندی. زیرا وقتی آنها خود را به خدایان خود می‌سپارند و آنها را قربانی می‌کنند، شما را دعوت می‌کنند تا با آنها غذا بخورید و غیره، بنابراین این بسیار شبیه به فرمان اول است: بت‌های ریخته‌گری نسازید، نان فطیر نخورید، ۷ روز نان بدون مخمر بخورید، همانطور که اکنون به شما فرمان دادم، این در هیچ کجای ۱۰ فرمان نیست: اولین فرزند هر رحم متعلق به من است، از جمله تمام نرهای نخست‌زاده دام‌های شما، چه از گله و چه از گله، اولین الاغ زاده را با یک بره باخريد کنید و غیره. این در ۱۰ فرمان نیست: هیچ کس نباید دست خالی در مقابل من حاضر شود. ۶ روز کار کنید، عید هفته‌ها را با اولین میوه‌های برداشت گندم جشن بگیرید، بنابراین ما جشنی از یک عید داریم که دوباره در ۱۰ فرمان ذکر نشده است. ۳ بار در سال، مردان شما باید در مقابل من در مقابل خداوند خدا حاضر شوند. خون قربانی را با چیزی که حاوی مخمر باشد به من تقدیم نکنید. نگذارید قربانی عید فصیح تا صبح بماند. خداوند خدای شما، بزغاله را در شیر مادرش نپزید. سپس خداوند به موسی گفت این دستورات را بنویس زیرا مطابق با این سخنان من با شما عهد بست و در اسرائیل موسی ۴۰ روز و ۴۰ شب بدون خوردن نان و نوشیدن آب با خداوند بود و کلام عهد، یعنی ۱۰ فرمان، را بر روی لوح‌ها نوشت، بنابراین این بحث اعیاد و این چیزها در مورد قربانی‌ها و غیره است و بنابراین در واقع ۲ نسخه مختلف از ۱۰ فرمان وجود داشت، یکی نسخه خروج، و دیگری نسخه خروج ۳۴ که شامل همه این موارد در مورد انواع مختلف اعیاد و قربانی‌ها و غیره بود. ۲۰ زیرا می‌گوید که او کلمات عهد، یعنی ۱۰ فرمان را نوشت، اما من فکر نمی‌کنم دلیلی وجود داشته باشد که فرمان به تمام چیزهایی که او در آنجا گفته است اشاره داشته باشد و من آنها را چندین بار شمرده‌ام. ۱۰ تمام احکام مختلف در آن لیست و هیچ راهی وجود ندارد که بتوانم ۱۰ فرمان از آن استخراج کنم. فکر می‌کنم او می‌گوید که ۱۰ فرمان را نوشته است، اما تمام این قوانین دیگر نیز وجود دارد که او ذکر می‌کند، او تصریح نمی‌کند که آن قوانین در خروج ۳۴، همان ۱۰ فرمان هستند. این یکی دیگه‌ست، پس آره. خروج ۳۴ خلاصه‌ای از قوانین ۵. البته این مورد بهتری چون در تثنیه ۵ ما نسخه‌ای داریم که خیلی خیلی شبیه به نسخه‌های خروج ۲۰ هست و موسی در ابتدا می‌گه اینها فرامینی هستن که خدا به ما داده اما به سری تفاوت‌ها هم وجود داره. برای مثال، بیایید به چند نکته اینجا نگاه کنیم. خروج ۲۰ به مورد خیلی مهم داره اول اینکه روز سبت رو به یاد داشته باش تا شش روز مقدسش نگه داری. باید کار کنی و تمام کاراتو انجام بدی. روز هفتم روز سبت هست. تو و پسران نباید هیچ کاری بکنی. دام‌ها رو تو شش روز. خداوند خدا آسمان‌ها و زمین و دریا و هرچی توشونه رو آفرید، اما در روز هفتم استراحت کرد. روز سبت رو رعایت کن و اون رو مقدس نگه دار، همانطور که خداوند خدای تو به تو دستور داده. شش روز کاراتو انجام بده. چرا؟ به یاد داشته باشید که شما در سرزمین مصر برده بودید و خداوند، خدای شما، شما را با دستی قدرتمند و بازویی گشوده از آنجا بیرون آورد، بنابراین خداوند به شما دستور داد که روز سبت را نگه دارید، بنابراین ما در تثنیه ۵ منطبق متفاوتی داریم، عمل خلقت، تثنیه ۵ در عمل‌هایی که در خروج رخ داد و سپس ما اینجا موضوع طمع را داریم، فقط با یک تفاوت کوچک، اینجا شما نباید به خانه همسایه خود طمع بورزید، شما نباید به زن همسایه خود، برده مرد یا زن، گاو نر، الاغ، هر چیزی که متعلق به همسایه شماست، طمع بورزید. تثنیه ۵ نه به زن همسایه خود طمع بورزید، نه به خانه یا مزرعه یا خدمتکار مرد همسایه خود طمع بورزید، نه به همسایه خود طمع بورزید، تفاوت کوچک جالب اینجاست که احساس من این است که تثنیه

نسخه جدیدتر و منعکس شده‌تری از ده فرمان است، چرا بنی اسرائیل باید قانون را رعایت کنند؟ خب می‌توانیم بگوییم دلیل هستی‌شناختی دلیل وجودی این است که خدا یک دلیل اخلاقی دارد، نوعی دلیل اخلاقی این است که شما خودتان می‌دانید که سخت کار کردن و مبارزه کردن چگونه است. بنابراین چون شما مجبور بوده‌اید که از این مرحله عبور کنید، باید نسبت به دیگران که مجبور به مبارزه هستند، دلسوز و با ملاحظه باشید، پس یک روز مرخصی بگیرید، به خودتان استراحت دهید، به بردگانتان استراحت دهید و این کاملاً نمونه‌ای از تثنیه و روش استدلال تثنیه برای گوش دادن به خروج است، بنابراین آنها اساساً همان چیز را می‌گویند، فقط مبنای متفاوتی به آن می‌دهند، تثنیه با طمع، این به دلایلی که بعداً به آنها خواهیم پرداخت، قابل توجه خواهد بود، اما بله، آنها همسر را به جلو منتقل می‌کنند و آن را تا حدی از دیگران جدا می‌کنند، در تثنیه، آنها همچنین مزارع را اضافه می‌کنند و فکر من این است که دلیل اضافه کردن مزارع فقط این است که تعداد چیزهایی که در اینجا طمع دارند را به هفت برسانند، زیرا آنها تکمیل را دوست دارند، بنابراین شما لیستی از هفت چیز را ذکر می‌کنید و سپس می‌گویید که هیچ چیز متعلق به همسایه شما هفت نیست، تعداد تکمیل‌ها است، بنابراین شما می‌گویید که این هفت چیز است و قرار نیست به هیچ یک از این هفت چیز طمع کنید، با ذکر هفت چیز، می‌گویید که به هیچ یک از این هفت چیز طمع نورزید، چرا همسر را جابجا می‌کنیم؟ به جلو؟ من می‌گویم چه کسی می‌داند، اما بخشی از دلیل آن این است که تثنیه ممکن است سعی داشته سنتی را منعکس کند که زن را با اموال خانه یکی نمی‌داند. اکنون به راحتی می‌توان فصل ۲۰ سفر خروج را در فرمان طمع به همه دارایی‌های همسایه از جمله همسرش خواند. این یکی از راه‌های خواندن آن است. فکر نمی‌کنم لازم باشد آن را به این شکل بخوانید و البته وقتی در مورد آن فرمان صحبت می‌کنیم به آن خواهیم پرداخت. اما ممکن است تثنیه بخواند روشن کند که زن نباید جزو دارایی‌های مرد در نظر گرفته شود و به همین دلیل است که خروج ۲۰ شکل اصلی ده فرمان را نشان می‌دهد و من فکر می‌کنم هر بازسازی دیگری فقط حدس و گمان است و پایه و اساس زیادی برای آن ندارد. سوال دیگر در مورد ده فرمان این است که آیا ۱۰ فرمان است یا ۱۱ فرمان؟ خب همه موافقت می‌کنند که این ده فرمان است چون کتاب مقدس می‌گوید که ده فرمان است اما در نحوه شمارش آنها تفاوت وجود دارد. مثلاً من خداوند خدای شما هستم که شما را از مصر و از بردگی بیرون آوردم. هیچ خدای دیگری قبل از من نخواهد داشت. بیایید خیلی سریع این‌ها را اینجا مطرح کنیم. برای خودتان بت نسازید، بله، برای آن دسته از افرادی که فقط می‌توانند چهار تا از آنها را به خاطر بیاورند، اینها هستند. از نام خداوند، خدای خود سوءاستفاده نکنید. من این ترجمه را دوست ندارم. نام خداوند، خدای خود را بیهوده به کار نبرید، همانطور که نسخه قدیمی شاه جیمز انجام داد. واقعاً بهترین ترجمه است. روز سبت را به یاد داشته باشید تا آن را مقدس نگه دارید. به پدر و مادر خود احترام بگذارید. قتل نکنید. زنا نکنید. دزدی نکنید. شهادت دروغ ندهید. دوباره به خانه همسایه خود نورزید. من این را کمی متفاوت از خانه ترجمه می‌کنم. من آن را به عنوان خانه ترجمه می‌کنم. ترجمه نکنید. به خانه همسایه خود طمع نورزید. ما صحبت نمی‌کنیم. من به یک ساختار فیزیکی فکر نمی‌کنم و وقتی در مورد ساختار بعدی ده فرمان صحبت می‌کنیم، به آن هم خواهیم پرداخت. این است چیزی که دوباره وجود دارد، کمی سوال و کمی بحث پشت آن است، اما فکر نمی‌کنم ترتیب آن تصادفی باشد. در اینجا یک ساختار خوب طراحی شده وجود دارد. اول از همه، ما فرامین ۱ تا ۳ را داریم که همه در مورد تعهدات ما نسبت به خدا هستند. ضمناً، دلیل اینکه فکر می‌کنم خروج ۲۰ نسخه معتبرتری است این است که این ساختار بسیار واضح را دارد، الگوی بسیار واضحی که در برخی از نسخه‌های دیگر نیز منعکس نشده است. فرامین ۱ تا ۳ تعهدات انسانی نسبت به خدا را نشان می‌دهند. سپس به تعهدی نه تنها نسبت به خدا، بلکه نسبت به خلقت در روز سبت می‌رسیم. چرا سبت را نگه می‌داریم زیرا ما جامعه خود را حفظ می‌کنیم، با هم‌نوعان خود خوب هستیم، با طبیعت خوب هستیم، مزارع خود را و غیره. در کتاب مقدس صحبت‌های زیادی در مورد دادن یک روز یا چند سال سبت به زمین‌های خود وجود دارد، اما ایده این است که زمین نیز به استراحت نیاز دارد و البته حیوانات شما، بنابراین این نه تنها مربوط به تعهد به خداست، بلکه تعهد به خلقت نیز هست. سپس به مورد بعدی می‌رویم و باید به پدر و مادر خود احترام بگذاریم و این آغاز تعهدات ما نسبت به سایر انسان‌ها است. جالب است که با احترام به پدر و مادر شروع می‌شود که به نظر می‌رسد برای ما چیز نسبتاً کوچکی باشد، نه اینکه با چیز بزرگ شروع کنیم که کشتن

نیست، اما دلیلی برای آن وجود دارد که وقتی در مورد فرمان شدت عمل صحبت می‌کنیم به آن خواهیم رسید و من با متکلمان بحث‌هایی داشته‌ام که می‌گویند نه، نه، شما باید همه آنها را یکسان بشمارید، هر گناهی یکسان است، نه، این درست نیست، اگر از کسی پرسید که آیا ترجیح می‌دهید کسی کیف شما را بدزدد یا شما را بکشد، بگویید که اینها معادل هستند، مسخره است، نه، به وضوح کاهشی در ترتیب شدت در اینجا از بد بودن به دزدی از کسی به گفتن چیزهای نادرست در مورد آنها یا گفتن چیزهایی در مورد آنها که نباید بگویید وجود دارد و سپس به آخرین مورد که در مورد زندگی درونی ماست، می‌پردازیم، بنابراین ما از تعهدات نسبت به خدا به تعهدات خود نسبت به دیگران و در واقع تعهد به زندگی فکری خود و نظم دادن به زندگی فکری خود حرکت می‌کنیم، بنابراین بیایید کمی در مورد چگونگی تفسیر 10 فرمان خیلی سریع صحبت کنیم، بنابراین اول از همه باید آنها را در زمینه فرهنگی تاریخی خود بخوانیم و این بسیار مهم است که بفهمیم چرا زنا برای مردم در آن زمان اینقدر بد بود. در دنیای باستان، درک ما از زنا بسیار متفاوت از چیزی بود که امروزه آن را درک می‌کنیم، بنابراین به این چیزها در چارچوب خودشان نگاه کنید. احکام برای اسرائیل باستان طراحی شده‌اند نه برای آمریکای مدرن. قرار دادن آنها در دادگاه‌های ما ممکن است بهترین و عادلانه‌ترین مورد نباشد، زیرا ما اسرائیل باستان نیستیم، ما یک حکومت دینی نداریم، ما تحت حکومت خدا به عنوان یک ملت نیستیم. می‌دانم که برخی افراد استدلال می‌کنند که ما باید شخصاً اینگونه باشیم. من این را قبول ندارم. من معتقدم که شهروندی ما در پادشاهی خداست و این کسی است که خدا بر آن حکومت می‌کند، نه هیچ نهاد سیاسی در این روزگار. اما به هر حال، ارزش‌های بیان شده در اینجا در چارچوب یک حکومت دینی از مردم که توسط خدا اداره می‌شوند، کار می‌کنند. احکام، منادی شکست‌های اسرائیل هستند. دیوید نوئل فریدمن چند سال پیش گفت: فکر نمی‌کنم کسی را واقعاً متقاعد کرده باشد، اما بسیار جذاب بود زیرا او استدلال کرد که کل تاریخ اسرائیل اساساً مبتنی بر شکست‌های ده فرمان است و در هر یک از این موارد که هر کتاب عهد عتیق را مرور می‌کنیم، می‌بینیم که بر یک فرمان متفاوت تأکید شده است و گاهی اوقات استدلال‌های او بسیار خلاقانه است، اما نکته این است که چهره بی‌تفاوت او نشان می‌دهد که واقعاً ده فرمان... مناجاتی که شکست‌های اسرائیل را پیش‌بینی می‌کند، به ویژه با آن فرمان اول که فرمان بزرگ در مورد پرستش خدایان دیگر است. آنها را در زمینه ادبی و الهیاتی نیز بخوانید. با این کار متوجه می‌شویم که ده فرمان بخشی از زبان عبری هستند که باید تحقق یابند و همه آنها در کتاب‌های دیگر عهد عتیق شرح داده شوند و اکنون البته برای ما به عنوان مسیحی، آنها را در پرتو آنچه توسط عیسی تعلیم داده شده است نیز می‌خوانیم. این چیز کوچکی به نام خطبه بالای کوه وجود دارد که در آن عیسی چندین مورد از این فرمان‌ها را بررسی می‌کند و با جزئیات زیادی در مورد آنها صحبت می‌کند به گونه‌ای که ما باید بفهمیم که چگونه ده فرمان در روزگار ما و زندگی ما اعمال می‌شود. حالا یک سوال دیگر که می‌خواهم اینجا به آن بپردازم و نمی‌توانم آنطور که باید به آن توجه کنم، اما حداقل باید به آن بپردازم. آیا مسیحیان موظف به رعایت ده فرمان هستند؟ شما به صورت آنلاین به وبسایت‌هایی مراجعه می‌کنید که مردم استدلال می‌کنند که ده فرمان کاملاً منسوخ شده‌اند و هیچ ارتباطی با زندگی مسیحیان امروز ندارند و به نظر می‌رسد چیزی که آنها واقعاً روی آن تمرکز می‌کنند، فرمان سبت است. فکر می‌کنم این چیزی که اینجا دارید افرادی هستند که قبلاً طرفدار سبت بودند و سپس از جنبش خارج شدند و اکنون یک تراشه دارند و قانون را حفظ می‌کنند، بنابراین اگر ما هیچ یک از قوانین را رعایت نکنیم، بدیهی است که مجبور نیستیم روز سبت را رعایت کنیم، اما آیا ما تحت تعهدی هستیم؟ من فکر می‌کنم که او، بیایید به سراغ مورد اول برویم. تقریباً هیچ مسیحی امروز استدلال نمی‌کند که مردم می‌توانند هر کاری که می‌خواهند انجام دهند، بدیهی است، اما بسیاری استدلال می‌کنند که ما هیچ تعهدی برای حفظ قوانین عهد عتیق نداریم که توسط تعدادی از متون کتاب مقدس پشتیبانی می‌شود. پولس نوشت: با اعمال قانون، هیچ جسمی توجیه نمی‌شود، بنابراین نمی‌توانیم خودمان را با تعداد قوانینی که رعایت می‌کنیم توجیه کنیم. ما با رعایت قوانین نجات نمی‌یابیم، اما من استدلال می‌کنم که اسرائیل هم نبود، ما از نظر معنوی ملزم به رعایت قانون نیستیم، اما اسرائیل باستان هم که تا حدودی بخشی از جامعه باستان بود، اینطور نبود. من معتقد نیستم که عهد عتیق منسوخ شده است و من این را با اعتبار خوبی از این شخص به نام عیسی دارم و فکر نمی‌کنم که من آمده‌ام تا قانون یا پیامبران را لغو کنم، من نیامده‌ام تا آنها را لغو کنم، بلکه آمده‌ام تا آنها را تکمیل کنم و کسانی هستند که استدلال

می‌کنند مأموریت او وقتی از مردگان برخاست، محقق نشد. مأموریت او خواهد بود. این امر زمانی محقق می‌شود که او در جلال نهایی خود بازگردد و پادشاهی او به کمال خود فرا رسد و آن زمانی است که دیگر نیازی به شریعت نخواهد بود زیرا بر قلب‌های ما نوشته خواهد شد و هیچ یک از ما مجبور نخواهیم بود. بخشی از شریعت باشیم زیرا اکنون این اتفاق نخواهد افتاد تا زمانی که پادشاهی خدا به کمال خود فرا رسد بنابراین رویکرد عیسی به شریعت، رعایت نیت شریعت است و این را به وضوح در خطبه او بر فراز کوه می‌بینیم و همانطور که من ده فرمان را مرور می‌کنم، چیزی است که ما به جای متن شریعت، نیت شریعت را رعایت می‌کنیم و پولس می‌گوید که متن شریعت می‌کشد اما روح آن را زنده می‌کند و می‌توانیم بگوییم که صحبت از روح القدس است، اما روح القدس روح شریعت است و بنابراین با حفظ روح شریعت می‌توانیم آن را انجام دهیم، می‌توانیم در راه‌هایی گام برداریم که مورد رضایت خدا هستند. فکر می‌کنم می‌خواهم این را در اینجا به پایان برسانم. در واقع چندین اسلاید دیگر دارم که می‌توانم در مورد دیدگاه جدید در مورد پولس و غیره ارائه دهم، اما فکر می‌کنم از آنها می‌گذرم زیرا فکر می‌کنم اینجا جای خوبی برای پایان دادن به این بحث است. این دکتر آنتونی جی. توماسینو و آموزه‌های او در مورد ده فرمان است. احکام. این جلسه شماره یک، ده فرمان و شریعت است.